

## رعایت جداگتر آرا مش

مجاهدین خلق ایران با تاکید بر مضمون رهائی بخش ندا مپریالیستی انقلابیان همهی نیروها را بدرعایت جداگتر آرا مش فرامی خوانند .

به نام خدا

به نام خلق قهرمان ایران

"سازمان مجاهدین خلق ایران بخاطر پاسداری از جمیع بقیه در صفحه ۲"

نشریه مجاهدین خلق ایران

شماره ۴۹ - شماره ۶ اردیبهشت ۱۳۵۹ - تکمیل ۱۵۰ ریال

### در صفحات دیگر

- پیام برادر مجاهد رجوی به مردم قهرمان مشهد
- پاکسازی یا اخراج عناصر انقلابی
- سالگرد شهادت کارگران قائمشهر
- چهار صفحه گزارش از مشهد
- از رسول تاسکور
- لاله های فروردین (شعر)
- چه کسانی با دانشگاه و دانشگاهیان دشمنی می ورزند

## چه کسی پاسخگوی خون و ضرب و شتم هزاران دانشجوست

هنوز به درستی نمی دانیم که آیا می توان توطئه تعطیل دانشگاهها را کاملاً شکست خورده تلقی نمود؟ روزهای اول وقتی "مجاهد" استاد را بر ملا نمود، کمتر کسی باور می کرد. به همین دلیل برخی نیروها نیز در آغاز افشاکاری و اعتراض را چندان ضروری نمی یافتند. و گمان می کردند که مسأله چیز مبرمی نیست . . . . .

اما در یک نگاه به سر مقاله های اکثریت مطبوعات کشور در روزهای اخیر، دیگر به خوبی می توان دریافت که خیلی چیزها روشن شده است: خیرهای "پس پرده"، "توطئه"، "بوی گودا" و . . . . . راستی هم اگر قبول کنیم که انقلاب راستین فرهنگی، انقلابی در ارزشها و بینشها و خلیقات و خلاصه دگرگونی در اعماق ضمیر قلب انسانی است، کدام آدم منصفی نمی پذیرد که با تنها چیزی که این امر عظیم میسر نیست، چوب است و چاق و ۳ - و تهدید و افترا. و عجیب است که کسانی که از موضعی اسلام پناهانده به شدت مادی گری و ماده گرایی را محکوم می کنند، معنویات را هم به ضرب چماق می خواهند تغییر بدهند .

اگر چه اکنون روشن است که پاکسازی و تصفیه دانشگاه تنها بهانه ای بیش نبوده و غرض اساساً این بوده است که حسبالمعمول با "سو" استفاده از نام اسلام و انقلاب و امام سیدان را از حریف پاک کنند.

لیکن امروز در این جا قصد گنگاش بیشتر در این باره نداریم. و سؤال چیز دیگریست .

به راستی پاسخگوی این همه خونها و جراحتها که در سراسر کشور بر جای مانده کیست؟ و چه کسی پاسخگوی ضرب و شتم هزاران دانشجوی قهرمان در سراسر کشور است؟ و بیاتید این بار از این سؤال ساده گذریم. آخر گناه آنها که گشته شدند و یا مجروح و یا مضروب چه بوده و چیست؟ آیا اینست شیوه تبلیغ اسلام راستین؟ هرگز! آیا اینست طرز عمل مردمی و شورایی؟ آیا این طرز عمل در هیچ یک از مرام های توحیدی و انسانی توجیه پذیر است؟

آیا . . . . .

اکنون چقدر خوبست که آنها که بر نامه ریزی کردند و نقشه کشیدند و بلوا و فتنه به راه انداختند، یا پیش گذارند و از عقیده و کردار خود دفاع کنند. مخصوصاً "توجه می دهیم که بر حسب تجارب یک سال گذشته، هر وقت که قدم درستی بر علیه امپریالیزم و به منظور احقاق حقوق مردم برداشته شد، هیچ گروه صادقی نبود که از دل و جان حمایت نکند. و دلیلی هم ندارد که اگر شما بر راستی قصد دگرگونی واقعی نظام پانهادی طاغوتی را داشته باشید، نیروهای مؤمن انقلابی به جدال برخیزند. و به خدا سوگند که در هیچ کجای جهان خون ریزی و فتنه و آشوب در دانشگاهها، اسباب افتخار و سفید رویی نیست، زیرا که به هر حال (ولو به طور نسبی) زنده ترین، فعال ترین و آگاه ترین نیروهای یک ملت را در دل خود جای داده است.

پس بگذارید، رو به آن دسته از خواهان و برادران ناآگاهی که ناخواسته به این ماجرا گشاده شده اند باز هم بپرسیم، بر راستی مسئول این همه تفرقه و ضرب و جرح و خون ریزی و اتلاف وقت چه کسانی هستند و چرا . . . . .؟ و در این میان چه کسانی سود اصلی را برده اند؟

اگر از این سؤال به سادگی صرف نظر نکنیم چراغ راهنما و "بنیه"ی ارزشمندی برای طی طریق بدون اعوجاج و انحراف در آینده دریافت داشته ایم. پس سلام بر هر آنکه روشنایی و هدایت جویند.

### مجاهدین خلق ایران

#### هرگونه نور چشمی گری در دانشگاهها را محکوم می کنند

بنابداً اخبار مندرج در مطبوعات روز ۴شنبه انجمن اسلامی دانشگاه تربیت معلم از تخلیه دانشگاه خودداری ورزیده و گفته است که ماتحویل گیرند بی دفا تر سایرین هم هستیم وندتحویل دهند! ! ! ضمن اینکه به این ترتیب روشن می شود که همین عناصر مجاری تحویل دهها شهید و هزاران زخمی و دهها هزار مضروب حوادث اخیر دانشگاهها هستند. بسیار دیشورهر گویند توطئه ای از این قبیل را محکوم و بقویرت خواستار خاتمه دادن به هرگونه نور چشمی گری در دانشگاهها هستیم .

جای شگفتی است که عده ای که خود شعار توحید آزادی گروههای دانشجویی را ابداع کرده اند چگونه به خود اجازه می دهند که خود از حقوق انحصاری استفاده کنند

## دانشگاه، همچنان سنگر آزادی

### بر جای خواهد ماند



چند روزی از اوج گیری توطئه گسترده ای که دانشگاه به عنوان اولین قربانی آن طرح ریزی شده بود، نگذشته است. توطئه ای که صرف نظر از ایجاد گسترده و عمیق خود (که نیاز به بررسی مفصل دارد)، جوهر و مضمون ارتجاعی، ضدیت تمام عیار با عنصر آگاهی و دشمنی تمام عیار با قشر آگاه جامعه که به خوبی راه اصل انقلاب را باز یافته است. بود

دانشگاه تهران: خونها ریخته می شود، دیوارها فرو می ریزد، اما سنگر آزادی هم چنان پابرجا خواهد ماند.

## آگاهسازی یا تحمیق و اختناق در ارتش آریامهری

تا به حال در این سلسله مقالات در باره نقش ضداطلاعات در سیستم ارتشهای ضد مردمی و ناپر خجعی شکل گیری این پدیده منحوس در ارتش ناهنسناهی، و سپس منابع ضداطلاعات و کارکرد آن در این سیستم صحبت کردیم. دیدیم همانگونه که سنت و شیوه ای تمام نظام های ضد مردمی تاریخ است، اساس و بیان اینگونه سیستم ها عمدتاً بر ناآگاهی و تحمیق مردم و ایجاد اختناق استوار است. به همین دلیل در ارتش ناهنسناهی به عنوان جلوه آئینه نام نمای اینگونه نظامها، از طرق مختلف برای این منظور بهره می جستند. به عنوان مثال دیدیم که از منابع بدبینی استفاده می شد که در یک کلام تمام تلاش آنها در جدا کردن ارتش از مردم خلاصه می گشت. دردنباله ای مطالب پیش گفتیم می خواهیم به یکی از

بسیارترین شیوه های ارتش آریامهری، و ضداطلاعات وابسته آن، یعنی برنامه ای بنام "طرح آگاهسازی" برداریم و آن را بیشتر مورد بررسی قرار دهیم.

**مفهوم آگاهسازی**  
**در فرهنگ شاهنشاهی**

بدیهی است شیوه ها و دستورالعملها و طرح های گوناگونی که ارتش آمریکایی شاه پیش می گرفت، در درجه اول از ماهیت آن می باشد که توجیه کننده و مبین کلیه نیات و کارکردهای آن تلقی می شود. حال این راهها و شیوه های دستگیری و ارباب و تهدید باشد یا آگاه سازی و . . . نهایتاً همه حلقه های که از یک زنجیر، به هم پیوسته اند که به نقطه ای مشخص ختم می شوند و در خدمت یک هدف کلی اند. بقیه در صفحه ۱۱

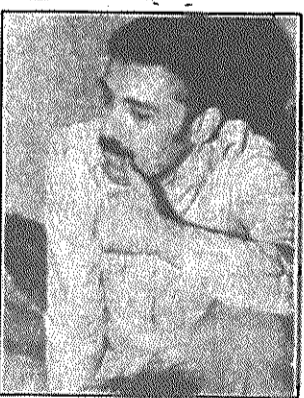
با شرکت بیش از ۱۰۰ هزار نفر  
پیکر بخون طپیده  
مجاهد شهید شکرالله مشکین فام  
به خاک سپرده شد.

پیام استاد محمد تقی شریعتی  
شهادت یکی از فرزندان اسلام راستین و تشیع علوی  
(شکرالله مشکین فام) مرا متالم و متأثر نمود.

### گمان نمی کردیم باردیگر زندان و زندانی داشته باشیم

که ۷ سال را در بدترین شرایط شکنجه و آزار در زندان رژیم شاه خائن به خاطر آزادی سپری کرده بود.

این بار اما، "سعادت" در بهار آزادی زندانی شد و همین جای تأسف و شگفتی است. این بار اما، "سعادت" را گزیده های امنیتی نگرفتند و به زندان نبردند، بلکه حاج ماشاءالله قصابها که در سفارت آمریکا مستقر بودند! و از قضا در همین مدت برخی رابطه های پنهان و آشکارشان با جاسوسانی چون چارلز ناس رو شده است، "سعادت" را ربودند، شکنجه بقیه در صفحه ۱۱



سعادت سیر در زندان اوین  
"سعادت" یک سال دیگر را در زندان گذراند. مجاهد مقاومی

## مردم گرائی توحیدی و مردم گرائی مبتذل (۳)

**نظری به قرآن و ادیان توحیدی**

با یک مطالعه در قرآن به سادگی می توان دریافت که این کتاب با تأکیدات مکرری که بر جامعه و حرکت اجتماعی دارد، متوجه استقرار یک نظام مبتنی بر منافع و رستگاری توده های مردم است.

قرآن همواره و در هر شرایطی، در قلمرو اجتماع، گروه ها و فلسفه توحید را به مبارزه به خاطر رهائی خلق فراخوانده و آنها را به قیام به خاطر برپاداشتن قسط" مأمور و مسئول کرده است.

قرآن این مبارزه را به مثابه گواهی (اجتماعی) وجود خدا و تأکید جهت گیری کمال طلبانه هستی می داند:

یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین بالقسط شهداء لله . . . . .

" ای آنها که ایمان آورده اید برپادارند و بسیار قیام کننده به قسط باشید و (از این طریق خدا را گواهی کنید . . . . . )"

در سوره ی رعد، معیار تشخیص حق و باطل نظریات، عملکردها و موضعگیری های افراد و نیروها "تأمین منافع مردم" ذکر شده است: " کذلک یضرب الله الحق و الباطل فاما الزیاد فیهذب جفاً و اما ما یتفح الناس فیمکث فی الارض . . . . . " (آیه ۱۷ سوره رعد)

( خدا حق و باطل را چنین مثل می زند که (باطل) چون گف از بین رفتنی است، اما (حق) و آنچه در جهت منافع مردم است بر روی زمین باقی می ماند.)

نظری اجمالی به تاریخ ادیان توحیدی و به خصوص اسلام، به خوبی بقیه در صفحه ۱۱

### شهادت در زندان مظلوما نهترین شهیداتها

قتل جنایتگاران نهی حضرت آیت الله صدر و خواهرها ایشان در بغداد نشانه ای دیگری بر خلق و خوی فاشیستی عمال بعثی عراق

مجاهدین خلق ایران ضمن تسلیت این فاجعه به امام خمینی و تمامی مردم پیروزی هر چه سریعتر آزادی و عدالت را برای ملت برادر عراق و همی انقلابیون راستین آن آرزو مندند .

### پیام برادر مجاهد مسعود رجوی به مردم قهرمان مشهد



نام خدا  
بسم الله الرحمن الرحیم  
در نام حق کرمان ایران را بسلام انقلاب و تحریر  
به همسران عزیز

خوهران و برادران گرامی، همسز و اولاد عزیزان

دست درمی از محاسن ترین شرایط تاریخی میباشند که در وقت ما نشد، چه در انقلاب و چه در زمان ما در مشهد  
خاندان ما، شما با ما همه ما سواد صحت خود، بیاد که برای ثبت کردیم که امیر لاجوردی و حضرت مولانا سید علی  
بدر مسکن باورشان و در خفاست من همواره تلاش می‌کنیم که در دل مردمی که ما را در دوران خود در سایه تو بهت نام الله  
عید اسلام برآورده اید، از دم تیغ بگذرانید و بکشایند.  
و چنین است که مستند قهرمان که با هم مبارزه و خونین دوا غدار است بر سر است، از فرزندترین سر بهای فرزندان ما در  
باقی خواهد ماند. و بعد از ما اگر زلفت خلق و بهر روزی سادرسان را با هم برای شما بنام صلح است، و در راهی فرزندان از  
خون ما بهیچ‌اندازه دلالت نمی‌کند در این نبرد ما را بر همه است سینه‌های گداز و در هر راهی روشن‌فکرهاست که در محراب و خانه با  
پای چرخه با هم است.  
من و دستپس که سر سار و برادران که دل و دامن پرده شدند، از جانب تمامی فرزندان و خواهران و برادران ما در  
در هر کس که، بیاد که برای ثبت کردیم که امیر لاجوردی و حضرت مولانا سید علی را با هم در راهی فرزندان ما  
نماز آزادی و برادری و صلح تا تحقق صلح به ملت می‌دهیم و هر صدمه‌ای که در این راه افتاد، این را خود در هر شرایطی را با هم  
همین از تمامی محنت حوادث و مصائب و خفق مستقیم در سینه‌های فرزندان و با هم در راهی فرزندان و برادری و صلح و در هر  
صمیمانه سینه‌های سار، اطمینان، پرتو را در دل و دامن که در هر راهی فرزندان ما را با هم در راهی فرزندان ما  
تمامی ما در این و برادران ما در این نبرد ما را با هم در راهی فرزندان ما را با هم در راهی فرزندان ما  
است دان و عید دادگاه، نیز، با هم در سینه‌های فرزندان ما را با هم در راهی فرزندان ما را با هم در راهی فرزندان ما  
دست دران ما تمام و در هر روزی فرزندان ما را با هم در راهی فرزندان ما را با هم در راهی فرزندان ما  
دانشگاه، این سینه‌ها دران آزادی تمام خلق را با هم در راهی فرزندان ما را با هم در راهی فرزندان ما  
در هر جا می‌خواهیم و در هر روزی فرزندان ما را با هم در راهی فرزندان ما را با هم در راهی فرزندان ما  
همسز و اولاد عزیزان،  
امروز همه را با هم در راهی فرزندان ما را با هم در راهی فرزندان ما را با هم در راهی فرزندان ما  
تا وقت بجز دران از راهی فرزندان ما را با هم در راهی فرزندان ما را با هم در راهی فرزندان ما  
سید علی،  
۲۹

### دانشگاه، همچنان سنگر آزادی بر جای خواهد ماند

ترتیب دانشگاه تصرف می‌شود.  
دانشگاه شیراز:  
در حمله جماعت بدستان به  
دانشگاه شیراز به خواستگاه  
دانشجویان بسیاری و... قصد  
تصرف می‌شود، و به ۵۰ خانه  
حسامت وارد می‌آید. حمله ساعت ۳/۵  
با سنگ و جوب و گلوله مولوتوف  
آغاز می‌شود ولی با مقاومت دانش-  
جویان و دانش‌آموزان روبرو می‌گردد  
اوج حمله در ساعت ۷ بعد از ظهر بود  
که مأموران انتظامی نیز به حمایت  
چنانچه از آن صفرو دانشجویان را درهم  
شکسته و ساختمانها و خوابگاهها را  
به اشغال درآوردند در این درگیری  
تعداد ۳۵۲ نفر (به گفته مقامات)  
دستگیر و زندانی شدند.  
دانشگاه تهرانبی:

از صبح، گروهی جماعت بدست  
در خیابانهای اطراف دانشگاه، شعار  
بی دادند. زدوخورد ها با حمله این  
گروه به دانشجویان مستقر در خیابان  
۱۶ آذر آغاز شد و دنباله آن به  
دانشگاه کشیده شد. در این بین  
قسمتی از نرده‌های ضلع غربی  
دانشگاه شکسته شد. از بلندگوی  
دانشجویان بیگناهانه پخش  
می‌شد که از پاسداران می‌خواست  
تیراندازی نکنند، و به آرامش دعوت  
می‌نمود. آتش‌هایی که برای خنثی  
کردن گاز اشک‌آور روشن شده بود و  
سنگ‌هایی که برای پناه گرفتن در  
مقابل شلیک گلولهها ساخته شده  
بود... مجموعه‌ای از انقلاب را پدید  
مردمی که با شاهده‌ی صحنه‌ها  
متأثر شده بودند حرکت جماعت به  
دستان را محکوم نمودند.  
این درگیریها تا اواخر شب  
ادامه داشت. و حدود ۵۰۰ زخمی،  
تعداد کشته‌ها بنا بر ارقام مختلف  
از ۵ تا ۲۰ نفر ذکر شده است.  
از نیمه شب بعد، پس از تساهلی  
که صورت گرفت دانشجویان بیگناه  
با تیراندازی دانشجویان بیگناه  
ترک کردند در حالیکه هنگام خروج  
نیز خطر حمله به آنها وجود داشت.  
مدرسه عالی دماوند:

صبح روز جمعه ۲۹ فروردین  
اعضای انجمن اسلامی مدرسه عالی  
دماوند واقع در ازگل، به همکاری  
عناصر جماعت بدست و با تحریک افراد  
ناآگاه ساختمان این مدرسه را اشغال  
کردند در جریان این حمله دانشجویان  
این مدرسه را به مخالفت تطبیقی  
و اشغال مدرسه بودند پس از ضرب  
و شتم از دانشگاه اخراج نمودند.  
دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی:  
صبح روز ۵ شنبه ۲۸ فروردین  
دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی به  
تصرف اعضای انجمن اسلامی درآمد.  
این افراد پس از تصرف ساختمان از  
ورود دانشجویان به دانشگاه  
خلوگیری نمودند.  
کرج: کشاندن نمازگزاران به دانشگاهها  
حدود ۳۰۰۰ نفر از مردمی را که  
برای برگزاری نماز جمعه به امامت  
حجت‌الاسلام شریفی آمده بودند پس  
از نماز به سوی مدرسه عالی ریاضیات  
و اقتصاد کرج می‌کشاند و با بسج  
جماعت بدستان در میان نمازگزاران  
آنها را به جان دانشجویان  
می‌اندازد.  
پس از سرکوب دانشجویان و  
اشغال این مدرسه، این عده به سوی  
ساختمان شماره ۲ گسیل می‌شوند.  
قبل درگیری ۴ ساعت ادامه داشت  
که به مجروح شدن تعداد بسیاری از  
دانشجویان منجر شد.  
دانشگاه مشهد:

از روز جمعه اعضای انجمن‌های  
اسلامی این دانشگاه به بسج جماعت  
بدستان اجبر شده و بعضاً افراد  
ناآگاه و تحریک شده به ساختمانهای  
دانشگاه هجوم می‌برند و با ضرب و  
شتم دانشجویان و مجروح کردن  
بسیاری از دانشجویان، دانشگاه‌ها را  
اشغال می‌نمایند. چنانکه در شماره‌های  
قبل شرح ما چرا گذشت این افراد پس  
از اشغال دانشگاه با کمک پاسداران  
به مراکز سازمان مجاهدین حمله‌ور  
شدند که این درگیریها به شهادت  
شکرالله متکین‌فام و مجروح شدن  
بیش از ۵۰ نفر منجر شد.

روز جمعه ۲۹ فروردین اعضا  
انجمن اسلامی به نام دانشجویان  
ببرو خط امام دست به اشغال دانشگاه  
کرمان زدند. این حمله قبل از نماز  
جمعه صورت گرفت نحوی که نتوانند  
پس از نماز جمعه مردمی را که برای  
نماز آمده بودند به دانشگاه بکشاند  
بعد از خاتمه نماز، نمازگزاران و  
در پیشانی آنان روحانیون به طرف  
دانشگاه حرکت کرده و به این

عشق فاجعه را وقتی در می‌یابیم که  
گوئی دشمن اصلی خلق مجروح و  
رنجیده‌ی ما یعنی آمریکا که این  
روزها شامی هم و غم خود را  
مصروف توطئه علیه انقلاب ایران  
کرده است، به کلی فراموش شده  
است. و مرتجعین به حق دشمن  
اصلی خود را انقلابیون و عنص  
آگاهی بخش دانشگاه یافته‌اند. تا  
جائی که دانشگاهی که در جریان  
انقلاب از طرف توده‌ها، سنگر آزادی  
نام گرفته بود، این بار کانون فساد و  
پایگاه امپریالیزم نامیده شد.  
طبق برنامه‌ای که از اسفندماه  
طراحی شده بود، قرار بود،  
انجمن‌های اسلامی به عنوان بازوی  
اولیه‌ی اجرائی آن به کار گرفته شوند،  
تصد داشتند که تحت پوشش دروغین  
تغییر نظام دانشگاهی و انقلاب  
فرهنگی، دانشگاه‌ها را به آشوب و  
خاک و خون بکشند، تا مقدمات  
تهدم‌های بعدی توطئه فراهم شود. و  
در این راه به انواع و اقسام  
توطئه‌های ارتجاعی، متوسل شدند.  
آن چه که در این جا قابل  
توجه است اینست که این درگیری‌ها به نفع  
چه کسانی است، آن چه می‌سیم است  
به نفع استکام دورنی جبهه‌ی خلق  
و نهائیات "انقلاب ایران خواهد بود."  
ذیلاً گزارش هر چند فشرده و  
مختصر از این حمله‌ی گسترده  
به دانشگاه‌ها و مدارس عالی را ارائه  
می‌دهیم:

توسل به اسلحه در مدرسه عالی  
ترجمه مفیدی  
در حمله به این مدرسه،  
انجمن اسلامی مدرسه از ابتدا با  
بشتریانی از سلاح‌های ام-۳، یوزی و  
کلت، عملیات متهورانه!! خود را  
شروع کرد. ساعت ۱۱ بعد از ظهر پنج  
شنبه دانشگاه را به اشغال خود  
درآوردند، وقتی با ورود سایر  
دانشجویان مواجه شدند، ابتدا به  
تهدید دانشجویان پرداختند و با  
سلاح‌های گرم، اقدام به شلیک تیر  
هوایی کردند. سپس دانشجویان را  
دستگیر کرده و کاروان اسرا!! به راه  
انداختند.

دفاع قهرمانانه‌ی خواهران دانشجویان  
در دانشگاه متحذین  
مرتجعین چه قدر که در شب  
جمعه با مقاومت قهرمانانه‌ی خواهران  
دانشجو روبرو شده بودند، و تا  
ساعت ۹ صبح نتوانسته بودند، کاری  
از پیش ببرند، ناچاراً شایعه سازی و  
توسل به عوافریبی، عده‌ای از افراد  
ناآگاه و رنگ را بسج کرده و وقیحانه  
به زنجیر خواهران حمله کردند ولی  
پس از ضرب و جرح‌های فراوان باز  
موفق به درهم شکستن مقاومت آنها  
نشدند، لذا از درهای دیگر و از بالای  
دانشگاه به طرف داخل سرازیر  
شدند. مهاجمین چاقو در پس از این  
که دانشگاه را محاصره کرده و با  
ممانعت از ورود و خروج، دانشجویان  
را در داخل دانشگاه زندانی کردند،  
خوابگاهی را نیز که در بیرون  
دانشگاه قرار داشت، محاصره کردند.  
و خواهران دانشجویان را سرگردان  
گذاشتند. در این حمله، مهاجمین  
کلیه تلفن‌ها را قطع کردند...

هجوم به مدرسه عالی علوم بانکی  
دهها زخمی و مجروح به جای گذاشت.  
ساعت ۸/۵ بعد از ظهر جمعه  
حدود ۲۵ نفر از اعضای انجمن  
اسلامی با همراهی ۱۵۰ نفر جماعت  
بدست با سنگ و چاقو و جماعت به  
دانشجویانی که در طول روز از مدرسه  
حفاظت می‌کردند، حمله کردند.  
در این حمله که در حضور  
پاسداران مستقر در محیط، انجام  
شد، دهها نفر از خواهران و برادران  
دانشجو مجروح شدند، که مهاجمین  
حتی مانع از انتقال مجروحین به  
بیمارستان می‌شدند.  
در حمله بعدی در ساعت ۵  
بعد از ظهر روز شنبه مهاجمین مبادرت

بقیه از صفحه اول

### رعایت حداکثر آرامش

دستاوردهای انقلابی و عقیم ساختن همهی توطئه‌هایی که چه از خارج  
و چه از داخل کشور تحمیل می‌شود، توجه تمامی نیروهای خلق را  
نسبت به اهمیت حفظ آرامش در چنین موقعیت حساسی برمی‌انگیزد.  
بی تردید افزایش تشنج و درگیری داخلی جز به سود دشمنان  
اصلی خلق ما یعنی همان امپریالیست‌های جهان‌خواه آمریکایی که  
اخیراً نیز اوضاع داخلی ما را "باو خامت روزافزون" توصیف کرده‌اند  
نیوده و نیست، از سوی دیگر نشانه‌هایی در دست است که از افزایش  
چشمگیری فعالیت‌های سیا و بی‌قایای ساواک و سازمان جاسوسی انگلیس  
در داخل ایران خبر می‌دهد.

بنابراین ما از تمامی نیروهای خلق و از تمامی مسئولان دولتی  
و گروه‌های مختلف هوشیاری و رعایت حداکثر آرامش را انتظار  
می‌بریم.  
تذکر این نکته برای تمامی گروه‌ها و دانشجویان مبارز و قهرمان  
نیز ضروریست که در این ایام تنها با حفظ نظم و آرامش و اعلام  
خاتمه‌ی هر نوع تشنج و درگیری می‌توانیم توطئه‌ی بقا شویب کشانیدن  
محیط آموزشی کشور را خنثی نماییم.  
و این تنها مسیری است که در پیشگاه توده‌های مردم با افشای  
نیات باطنی آنها، سلب آزادی‌های انقلابی را مدنظر دارند،  
راه تحقق آزادی‌های مبرور را هموار خواهد نمود.  
بنا بر این ماهرگونه اقدام هرج و مرج طلبانه و ماجراجویانه را  
هم در هر گجای کشور محکوم می‌کنیم: اقداماتی که در این شرایط برعق  
ضدیت‌های ظاهری با محدود کردن آزادی‌های جزیه هر چه محدودتر  
نمودن آنها نمی‌انجامد.

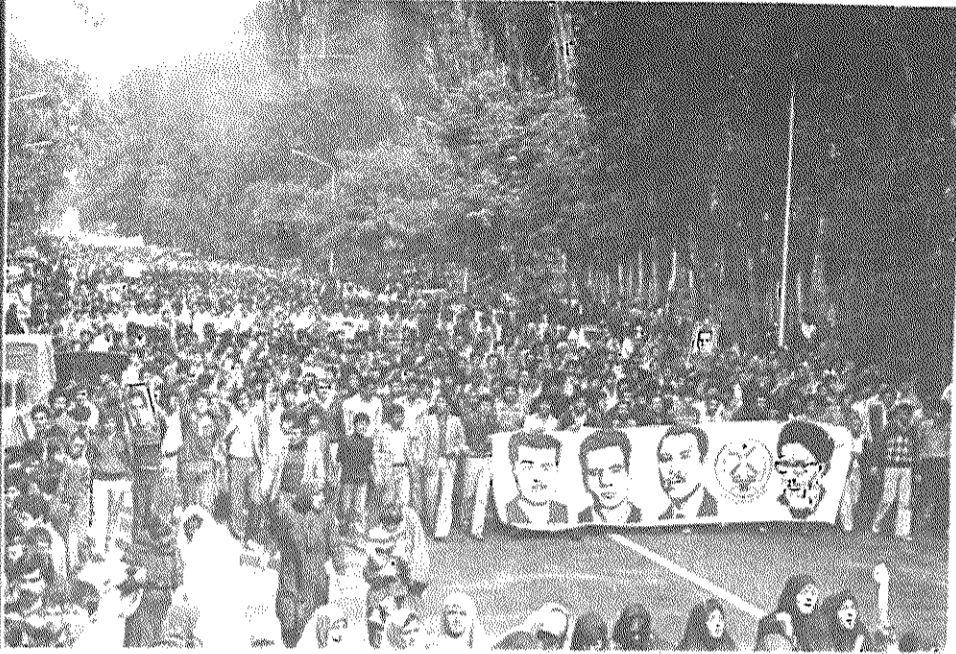
مجاهدین خلق ایران  
۴/ اردیبهشت ۵۹

### بنام سبب روز جهانی کارگر سی امین سالگرد شهادت کارگران قهرمان قائمشهر گرامی باد

چهارم اردیبهشت یکی از  
روزهای افتخارآمیز مبارزات کارگری  
ایران است. در اواخر فروردین سال  
۱۳۲۹ کارگران قهرمان کارخانه‌ی  
ساجی قائم شهر، دست به  
اعتصاب زدند. این اعتصاب که  
نزدیک به ۸ روز طول کشید، از مهم  
ترین حرکات کارگری در زمان خود  
بود. رژیم ضد خلقی حاکم که در  
برابر آزادی یولادین کارگران  
نتوانسته بود، از شیوه‌های تهدید  
تلمیع و تفرقه اندازی، نتیجه‌ای  
بدرست آورد، با سلاح گرم و سوزی  
به کارگران یورش برد. در این حمله‌ی  
وحشیانه ۵ کارگر شهید و عده‌ای  
زخمی شدند.  
کارگران که در مبارزات خویش  
بر علیه نظام پوسیده‌ی حاکم دریافته  
بودند که بین خلق و ضد خلق هیچ

گونه رابطه‌ی انسانی وجود ندارد،  
برای رهایی از جنگ ظالمان و  
استثمارگران آمساده‌ی شهادت  
بودند. آنها جنازه‌ی کارگران شهید  
را همچون برجم خونینی بدوش  
کشیدند و با گذشتن از کوه و  
خیابانهای شهر، مبارزه را از کار-  
خانه به میان توده‌های مردم بردند.  
این اعتصاب و تظاهرات با  
دستگیری وسیع کارگران و دوماه  
حکومت نظامی در کارخانه سرکوب  
شد، ولی بیش از سه هزار کارگر  
ساجی با الهام از شهیدانشان در  
سالهای سیاه دیکتاتوری همواره در  
مقابل رژیم حاکم و با کینه‌ای عمیق  
مبارزه‌ی پر شور خود ادامه دادند.  
ضمن تبریک چهارم اردیبهشت  
سالروز شهادت ۵ تن از کارگران  
ساجی قائم شهر، به همه‌ی کارگران  
میهن و بخصوص خواهران و برادران  
کارگر در ساجی، یادشان را گرامی  
می‌داریم.

# باشکرت بیش از ۱۰۰ هزار نفر پیکر بخون طپیده‌ی مجاهد شهید شکرالله مشکین فام به خاک سپرده شد.



روز ۳شنبه دوم اردیبهشت ماه، مرتکب شده بودند، صحبت می‌کردند مردم مشهد شاهد یکی از بزرگترین و پرشکوه‌ترین مراسم تشییع در شهر خود بودند. بدنیاال شهادت شکرالله در جریان حمله‌ی جنایتکاران و اوباش تحریک شده به دفتر مجاهدین خلق در مشهد، سازمان مجاهدین خلق شاخه‌ی خراسان طی اطلاعیه‌ای از مردم دعوت کرد تا در مراسم تشییع جنازه‌ی مجاهد شهید مشکین فام شرکت کنند.

با اینکه قرار بود مراسم از ساعت ۹/۵ صبح آغاز شود ولی انبوه جمعیت از ساعت ۷ صبح در مقابل بیمارستان مصدق گرد آمده بودند. قبل از حرکت، جمعیت بالغ بر ۲۰ هزار نفر می‌شد. در این هنگام یکی از مادران به نام مادر محمدزاده با سخنان چند دقیقه‌ای و پرشور خود، جمعیت را تحت تأثیر قرار داد. سپس آمبولانس حامل جنازه با نوای قرآن به آرامی به حرکت درآمد، و دست‌ساز آن، سبیل جمعیت که دو انگشت خود را به علامت پیروزی بالا نگاه داشته بودند. با آرامش و نظم کامل، به اقشار مختلف مردم مشهد، از جمله طرفه‌ی شکرالله، در دانشجویان، معلمان دست بسیاری از تشییع کنندگان ناخندهای گل‌دیده می‌شد، جمعیت هر لحظه رو به افزایش می‌گذاشت، بسیاری از مردم نیز با حالت تائر در مسیر عبور تشییع کنندگان، ایستاده بودند، آنها با یکدیگر راجع به این جنایت، گهواپسگرایان

به فلک‌های آب رسید. در این محل می‌بایستی مردم توسط اتوبوس برای مراسم خاکسپاری به سوی بهشت‌رضا بروند. چون جمعیت زیاد بود اتوبوسهای موجود تکافوی آن را نمی‌داد، فقط حدود ۱۲ - ۱۰ هزار نفر موفق شدند با وسایل موجود خودشان را به بهشت‌رضا برسانند. برادران ما با مسئول شرکت واحد تماس گرفته بودند و تقاضای اتوبوس می‌کنند. ولی مسئول شرکت تحت این عنوان که شما ناقص هستید از تحویل اتوبوس واحد خودداری می‌نمایند. اگر اتوبوس به اندازه می‌بود اکثریت قریب به اتفاق شرکت کنندگان می‌خواستند خودشان را به بهشت‌رضا وسپه‌ای بیایند که خودشان را به بهشت‌رضا برسانند، علی‌رغم اینکه اعلام شده بود مراسم در فلک‌های آب خاتمه یافته است، همچنان دنبال اتوبوسها حرکت کردند و تا نزدیک فرودگاه راهپیمایی کردند. تشییع جنازه صد هزار نفری برادر شهید شکرالله مشکین فام در این چند ساعت، به تنهایی ماهیت نیروهای وابستگان را برای مردم مشهد روشن کرد. این هانشان دادند که مجاهد خلق یک آن در زندگیش از مبارزه با امپریالیسم و پایگاههای داخلی آن دست برنمی‌دارد، و آنگاه شهادتش نیز ضربه‌ی مهلکی بر پیکر امپریالیسم و ایادی واپسگرایی آن

## پیام استاد محمد تقی شریعتی

آنچه اندوه و تأثر مرا در این واقعه (حوادث دانشگاه و سایر مراکز) فزونی بخشیده است این است که در نظام جمهوری اسلامی رخ می‌دهد!

بسم الله الرحمن الرحيم  
و لا تقولوا لمن یقتل فی سبیل الله امواتا بل احیاء عندرهم یرزقون شهادت یکی از فرزندان اسلام راستین و تسبیح علوی، در حوادث تاسف انگیز و ملالت بار اخیر دانشگاه و سایر مراکز، همگی کسانی را که نسبت به سرنوشت کشور و آینده‌ی انقلاب احساس مسئولیت می‌کنند، متالم و متأثر نموده. این شهیدی است که خانواده‌ی متدین مشکین فام، به اسلام و جامعه هدیه داده است و کم نیستند خانواده‌هایی که چنین افتخاری تحصیل نموده اند. آنچه اندوه و تأثر مرا در این واقعه و سایر حوادث مشابه در کشور فزونی بخشیده است، این است که در نظام جمهوری اسلامی رخ می‌دهد که از آن آرمان صلح و صفا و برادری و برابری داشتیم و به مردم دنیا هم وعده می‌دادیم که ما امت نمونه خواهیم بود. من ضمن تبریک و تسلیت به خانواده‌ی مشکین فام بویژه پدر و مادر و همسر این شهید دست تضرع به درگاه ایزد متعال بلند می‌کنم و از سویدای دل سوختنم مسألت می‌کنم که خداوند به همگی ما آگاهی و بصیرت و تقوی و دور اندیشی و خیر خواهی و سعی صدر عنایت فرماید و کشور عزیز و انقلاب شگوهندمان را از گزند حوادث و آسیب دشمنان غدار و دوستان نادان مصون بدارد که از من بیچار و علیل جز دعا و تذکر گاری ساخته نیست.

انه محیب قریب  
محمد تقی شریعتی مزینانی



بالاترین ارزش‌هایش است، ثابت گردید که مجاهد خلق را می‌شود به بند کشید، زندانش کرد، سرودستش را شکست، و بالاخره مجاهد خلق را می‌توان قطعه، قطعه‌اش کرد، اما اراده‌ی او را در راه رسیدن به حقوقش در راه استیفای حقوق مستضعفین

## سخنرانی برادر مجاهد محمود ائتی عضو هیئت تحریریه مجاهد

دفاع کردن ما از ستاد مجاهدین، دفاع کردن از سنگ و آجر نیست، حتی دفاع کردن از سازمان نیست، بلکه دفاع کردن از یک آیدئولوژی، یک مکتب و یک مرام که راه‌های انسان است می‌باشد.

سخنرانی برادر مجاهد محمود ائتی در ابتدا تسلیت‌حضر با شار تسلیت تسلیت، برادر مجاهد آغاز شد  
بسم الله الرحمن الرحيم  
الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا، تنزل علیهم الطائفة الا تخافوا ولا تحزنوا وابشروا بالجنة التي كنتم تعدون.  
آن کسانی که فریاد زدند، پرورش دهنده‌ی ما و تکامل بخش ما الله است و در این مسیر مقاومت، استقامت کردند، ملائکه بر آنها فرو فرستاده می‌شوند (ومی‌گویند) هرگز نترسید و اندوهگین نموید، و بر شما بشارت باد بهشتی که به شما وعده داده شده است.

به نام خدا  
و  
به نام خلق قهرمان ایران

## سخنرانی استاد علی تهرانی

خدا هیچ گاه منحرف نشود و اجرو پاداش و خیر به اینها عنایت بفرماید. این آیه‌ای است که خواندم، خدا خطاب به نبی اکرم است. خدای تعالی خالص همگی موجودات است، بصیرت کتب، خوب است. من در عین این که می‌بینید با جالت ضعیف کردم، انشاءالله قدری فشرده‌عرایضی خدمتان القاء می‌کنم، امیدوارم هم خود من هم شما انشاءالله به دستور خدای تعالی، به دستور نبی اکرم عمل کنیم، و... از خدا می‌خواهم که از بازماندگان این شهید خوشبود باشد، و دعا می‌کنم، انشاءالله در راه خدا همیشه پیروز باشد و از راه

## سخنرانی برادر طاهر احمدزاده

بگیرید، اما سخن از کدام دین؟ دین حسن یا دین معاویه، یا دین بیزید فرق دارد، فرقی در چیست؟ در نماز؟ نه، نماز سر جایش بود، در روزه است؟ نه، در حج و مناسک حج؟ نه، ایضا. در مسجد و ما‌آذنه و آذان؟ ایضا. در ریش و تسبیح و عمامه است؟ ایضا. پس در چیست؟ فرق دین حسن یا دین بیزید، اینست که دین حسن، دین ضد استثمار، دین ضد استبداد، دین ضد امپریالیسم و ضد استثمار، دین حرمت به مقام انسان، دین آزادی، دین قسط و عدالت است، دین جامع‌داریست توحیدی بر مبنای قسط، بقیه در صفحه ۹

میرگ در راه عقیده، در راه خدا، برای فرزند آدم آن قدر زیباست که گردن بند به گردن دختر جوان، حسین هم می‌گوید و انی لا اری الموت، الا سعاده، والا الحیاة مع الظالمین الا برما. من مرگ را جز سعادت نمی‌دانم، و زندگی با ستکاران قدیم و جدید و کهنه و مدرن را جز نکبت و بدبختی به حساب نمی‌آورم، و حسین می‌گوید: ان کان دین محمد لم یستقم الا بقتلک یا سیوفه خذینی. اگر دین محمد جز با کشته شدن من، اگر دین پیامبر جز با کشته شدن حسین استوار نمی‌ماند، ای شمیرها مرا در آغوش

ابراز احساسات شدید مردم با شمار آزاده، آزاده، طاهر احمدزاده، خواهران و برادران تقاضا می‌کنم، به تسکین بفرستید، (الله اکبر حضرار).  
بسم الله الرحمن الرحيم  
سلام بر خواهران و برادران عزیز، درودهمی ما و درود خدا به ارواح پاک همگی شهیدان، شهیدان راه حق، شهیدان انقلاب، به ویژه شهید امروز ما که بر مزارش گرد آمده‌ایم، (درودحضرار) سختم را بر مزار این شهید، با سخنان سرور شهیدان حسین آغاز می‌کنم.

# باشکرت بیش از ۱۰۰ هزار نفر پیکر بخون طپیده‌ی مجاهد شهید شکرالله مشکین فام



پژشگان و پرستاران متعدد بیمارستان مصدق و امام رضا طی راهپیمایی و تظاهرات اعمال ارتجاعی چماقداران را محکوم کردند.

پاک شکرالله را که از اسلام دفاع شیوه‌های واپسگرایانه‌ی خداناسانی می‌کرد به زمین ریخت و صدها نفر و ضداسلامی به خوبی آگاهند و همیشه را مجروح نمود. مردم مشهد هنوز این پیام قرآن را زمزمه می‌کنند. خاطرات قداره بندان آریامهری و وسیع‌الذین ظلموا ای منقلب را فراموش نکرده‌اند و به این یثقیلون

## به خاک سپرده شد.

باز می‌گشتند، به راستی مانند عید، دیده بوسی برقرار بود و نقل و شیرینی، بسیاری از شوق گریه می‌کردند. شماره دوباره اوج گرفت (مجاهد، مجاهد، ستاد تو قلب ماست) همه بودند، فقط شکری نبود بسیاری از زخمی‌های حوادث اخیر، به صف خروشان مردم بی‌بوسه بودند، علیرغم مخالفت پزشکان آنها در تشییع جنازه برادرشان شرکت کردند و همینطور، تجدید دیدار با ساختمان "حنیف".



همسر مجاهد شهید شکرالله مشکین فام در حال قرائت قرآنی از زندگی بر افتخار مجاهد شهید مشکین فام.

مردم برای بازگشت به شهر اوج گرفته باز خواهند گشت، بازگشت مردم و بود، زیرا برادر محمود اتمی در برادران و خواهران به ستاد، از سخنرانی خود مزده داده بود، که هیجان انگیزترین صحنه‌های به یاد طبق مذاکرات لازم با مقامات، ماندنی بود، مردم پس از خاکسپاری بعد از مراسم همه به ساختمان حنیف شکرالله به جایی که او شهید شده بود

وجود نمی‌داشت و نداشت تنها همین شهید قهرمان، این سرودست‌های شکسته این مجروحین، این بیمارستان‌ها گواه حقانیت راه ماست، راه ما راه خداست، راه توده‌هاست، شهید ما شکرالله مشکین فام با خون خودش شهادت داد، نه با حرف.

### قلب هر مستضعف و کارگر و دهقانی و قلب هر محروم و رنج دیده‌ای ستاد واقعی مجاهد خلق است

بگذارید مرتجعین هرکاری می‌خواهند بکنند، بگذارید شما را از مرکزتان یعنی از خانه‌تان بیرون بریزند، بگذارید سرودست شما را که تا کنون جز در مسیر مبارزه با امپریالیست‌ها به حرکت درنیاورد، بشکنند آخر چی؟ بگذارید تحت عنوان پاکسازی به مراکز انقلابیون، چماقداران شما را بفرستند و حمله کنند، اما این کوتاه بینان این را نمی‌دانند و نمی‌فهمند اگر شما را از خانه‌هایتان بیرون کردند، اگر مجاهدین را از مرکزتان بیرون کردند، قلب هر مستضعفی، قلب هر کارگر و دهقانی، قلب هر محروم و رنج دیده‌ای، مکان واقعی و ستاد واقعی هر مجاهد خلق است. (کف زدن متد همراه با شعار مجاهد، مجاهد ستاد تو قلب ماست)

بیچاره کوتاه کران که خیال کردند با گرفتن مرکز مجاهدین دیگر مجاهدین از بین رفتند، مگر ما در گذشته چه می‌کردیم؟ مگر ما در گذشته در زمان طاغوت ستاد و خانوگاتان داشتیم؟ هرکوجه و برزن، هرخیابانی و هر گذرگاهی مرکز ما بود، خانه ما بود، ستاد و مکان فعالیت ما بود (کف زدن حصار با شعار ما همه حامی توایم مجاهد) افسوس که مرتجعین جز نوک دماغشان را بیشتر نمی‌توانند ببینند، به خدا قسم اگر تمام تاریک‌های دنیا جمع بشوند، قدرت ندارند که حتی شعلی یک شمع را نابود بکنند (کف زدن حصار) بر همین مبنا اگر تمام مرتجعین تاریخ، اگر تمام واپس‌گرایان و نیروهای میرا جمع بشوند و تمام سلاح‌های کهنه‌اشان را هم به کار بگیرند قادر نخواهند بود فروغ یک مجاهد خلق را و نیز عشقش را به توده‌ها و به خدا نابود کنند (ابراز احساسات حصار)

### آخر "شکرالله" یک بار دیگر هم در زمان طاغوت "نه" گفت

داستان شکرالله مشکین فامها، داستان عباسی‌عمانی‌ها، داستان رضا حامدینا، برادریکه چند روز قبل در خمین به رگبار نیروهای واپسگرا و ارتجاعی بسته شد و شهید شد. این است داستان همی نیروهای راستین، بله خواهران، برادران، اگر ما نیز در مقابل مرتجعین کرنش می‌کردیم، سکوت می‌کردیم، در مقابل مسائل جامعه بی‌تفاوت بودیم، انتقاداتمان را مطرح نمی‌کردیم، امروز مجاهد شهید مشکین فام نیزنه تنها شهید نشده بود، بلکه نورچشمی هم بود، پست و مقام هم داشت، اما به مجاهد خلق هرقشاری را می‌توان وارد کرد، اما نمی‌توان او را از آرمان‌هایش جدا کرد، (ابراز احساسات حصار) آخرشکرالله یک بار دیگر هم در زمان طاغوت "نه" گفتش و شمری این‌نه گفتن، یک سال شکنجه و زندان بود و امروز هم باز "نه" گفت، شهید شد، خوشا به

### اطلاعیه‌ی احسان شریعتی فرزند معلم شهید دکتر علی شریعتی در باره‌ی حمله چماقداران به ستاد مجاهدین خلق

"بنام خداوند مجاهدان و مستضعفان" بورش ارتجاعی، به ستاد مجاهدین در شهر مشهد که منجر به شهادت مشکین فامهای باز شهید و صدمه‌دهانتان دیگر گردید، بی‌توجهی ما بین صفوف حق و باطل گردید، و شبهه‌ی حاکم دریده شد و رفته‌های فکری استعمار روبه‌سستی نهاد. اما آنچه شورا انگیز تراست، این حقیقت بود، که در نبرد همین‌ی تاریخ مذهب علیه مذهب، اینبار انسانی را محکوم می‌نمایم. وسیع‌الذین ظلموا ای منقلب یثقیلون. احسان شریعتی ۵۹/۲/۲

دفاع کردن ما از ستاد مجاهدین دفاع کردن از سنگ و آجر نیست، حتی دفاع کردن از یک سازمان نیست، بلکه دفاع کردن از یک ایدئولوژی، یک مکتب و یک مرام که راهنمای انسان است، می‌باشد مکتبی که انسان را تا قلعه توحید تارسیدن به جامعه‌ی بی‌طبقه‌ی توحیدی هدایت و راهنمایی می‌کند (ابراز احساسات مردم) بنا بر این فشارها نه تنها کوچکترین خللی در عزم راسخ ما ایجاد نخواهد کرد بلکه هم‌چنان ما را مصمم‌تر برای رسیدن به آرمان‌های توحیدیمان بسج خواهد نمود، آخر ما این را از رهبران و پیشوایان مکتبی‌مان آموختیم، که به ما گفته‌اند، مومن باید از آهن هم سخت‌تر باشد، المومن اشدن دیر، الحدید ان الحدید اذا ادخل فی النار، تغیر وان المومن اذا قتل ثم نشر ثم قتل، لم یتغیر قلبه مومن، از آهن هم سخت‌تر است، آهن را اگر توی آتش بگذاریم و بعد بیاوریم بیرون چند تا جگش برزیم، تغییر شکل پیدا می‌کند، اما اگر مومن را بکشی زنده کنی، (هفتادبار این کار را تکرار کنی) لم یتغیر قلبه، قلبش تغییر نمی‌کند، بله خواهران و برادران بایستی خیلی خروشان‌تر هم چون آتش‌فشان، برشور مثل بهار، خندان مثل شگوفه‌های نوپیزیاری باشیم، بخاطر این که اگر مردم و نسل انقلابی را داشته باشیم هیچ حزن و اندوهی نباید به خودمان راه بدهیم. این مهم نیست که ستاد ما را به آتش بکشند، این مهم نیست که نشریات ما را بسوزانند کتاب‌های ما را به آتش بکشند، اصلاً خودما را به آتش بکشند، مگر رژیم طاغوتی ما را نمی‌سوزانند، شکنجه نمی‌کند، ولی مگر می‌تواند

### سخنرانی برادر مجاهد محمود اتمی عضو هیئت تحریریه مجاهد

حالش، خوشابه حال شهیدانیکه در شرایط سخت و دشوار مبارزه هم‌چنان برپیوند خودشان، هم‌چنان برعهد خودشان استوار می‌ایستند، راهی را که مشکین فام پیبوند، راهی است که مجاهدین گذشته پیبوندند، راهی است که ناصر صادق صادق صادق محمدبازگانی‌ها، علی میبندوست‌ها علی باکری‌ها، که چند روز قبل سالگرد شهادتشان را گرامی داشتیم، پیبوندند، بنا بر این، ما از سال دیگر، در ۳۰ فروردین به جای هفت مجاهد شهید یادداشت مجاهد شهید را گرامی خواهیم داشت (ابراز احساسات مردم) نه تنها شکرالله مشکین فام، بلکه همی آن خواهران و برادرانیکه در جریان حمله‌ها کتک خوردند، دستشان شکست، خیلی هاتا مرز شهادت رفتند، ما داریم هنوز خواهران و برادرانیکه در بیمارستان بستری هستند و در مرز شهادت قرار گرفتند، این‌ها همه شهیدای زنده هستند، حی هستند، شهید هستند آری داستان ما و داستان انحصار طلبان، داستان دوتا اسلام است، مسئله بر سر اسلامی است که مردمی و صادق و انقلابی است، منطقی و جوب و حماق و تفنگ نیست، اسلامی است که حامی مستضعفین است. نه حامی مستکبرین، اسلامی است که انحصار طلب نیست، سعی صدر دارد، این است داستان درگیری و مجاهد شهید نیز قربانی همین درگیری شد، و درست به همین خاطر هست که ما با چنین برادران و خواهران صدیق و پاکبخت‌های روبرو هستیم، خواهران و برادرانیکه از صبح در این هوای گرم راه پیبوندند آمدند اینجا، خسته و کوفته، تایاد شهیدانسان را گرامی بدارند، برادران و خواهران جای تبریک گفتن دارد، حماسه‌های مقاومتی که شما خلق کردید، این حماسه‌ها از دروازه‌های مشهد گذشت و به جاهای دیگر نیز سربایت کرد، حماسه‌های

این مهم نیست که ستاد ما را به آتش بکشند، مهم آزادی مردم و سربلندی اسلام است.



بقیه از صفحه اول

# آگاهسازی یا تحمیق و اختناق در ارتش آریامهری

- با شناختی که راه‌های سیستم ارتش شاهنشاهی کسب گردید، هدف از برنامه‌های با اصطلاح آگاه‌سازی هم جز تحمیق پرسنل، و ایجاد دیوار بین ارتش و مردم و توسعه‌ی جوی گداختن و هدایت ارتش و ایجاد دیوار بین ارتش و مردم و توسعه‌ی جوی کاذب و هدایت کردن اذهان و انسانها در مسیری که خوش آیند از ایشان است، نمی‌تواند باشد.
- یکی از مشکل‌ترین و مسئله‌سازترین نقاط برای رژیم‌های ضد مردمی واریا با نشان، عنصر "انسانی" است یعنی، موجود آزادی که می‌تواند آگاهی کسب کند و بر علیه آن نظام بشورد.
- قیام بهمن ماه نشان داد که چگونه آگاهی اصل و اراده‌ی خلق می‌تواند تار و پود عنکبوتی ضد اطلاعات را در هم بشکند.

با این بیان، و با شناختی که از ماهیت سیستم ارتش شاهنشاهی کسب کرده‌ایم، هدف از این برنامه‌های اصطلاح آگاه‌سازی هم جز به معنی تحمیق پرسنل و ایجاد دیوار بین ارتش و مردم و توسعه‌ی جوی کاذب و هدایت کردن اذهان و انسانها در مسیری که خوش آیند از ایشان است نمی‌تواند باشد. خوب است معنی برنامه‌ی آگاه‌سازی را از زبان خود مدعیان بشنویم.

**گروه‌های برانداز و خرابکار**  
همواره سعی دارند توجه خود را به ارتش شاهنشاهی معطوف نموده و با استفاده از فرصت‌های مناسب مدیریت به عضوگیری در ارتش شاهنشاهی بیاورند. از طرفی در ارتش شاهنشاهی تنها نقطه‌ی آسیب‌پذیر پرسنل آن می‌باشد. خصوصا پرسنل جوان و کارمندان جدیدالاستخدام که بر اثر عدم آگاهی و نداشتن تجربه‌ی اطلاعاتی، احتمالاً در دام عناصر کشورهای بیگانه گرفتار می‌شوند به‌منظور خنثی‌نمودن اقدامات مضره عوامل کشورهای هدف، ضمن بوجود آوردن یک سیستم حفاظتی مطلوب، یکی از راه‌های جلوگیری از به دام افتادن پرسنل بی‌تجربه... تنظیم برنامه‌های سخنرانی هفتگی یا ماهیانه به‌عنوان برنامه‌ی آگاه‌سازی توأم با فیلم‌های حفاظتی می‌باشد.

طلب مخصوصاً با توجه به ناآگاهی که در کلمات و عباراتی نظیر "پرسنل جوان" کارمندان جدید - لاستخدام "و عدم آگاهی" به کار گرفته شده کاملاً روشن است. در حقیقت هراس رژیم بیشتر از عناصری بود که تازه وارد سیستم شده و هنوز به رنگارهای کثیف و ضد مردمی آن آلوده نشده بودند.

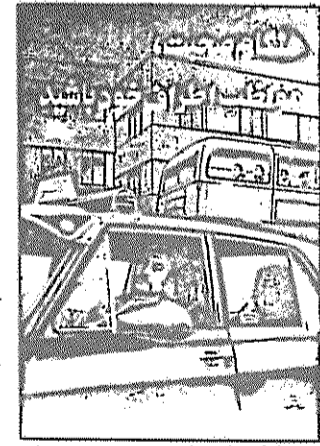
می‌کرد.

وجه مشخصه و ویژگی کلیه این برنامه‌ها، ازبالاتر بااین بودن و فرمایشی بودن است. رژیم در حالیکه هرگونه جمعی را به‌شدیدترین وجه سرکوب می‌کرد و کتاب بردن به داخل پادگانها از گناهان کبیره و مستوجب شدیدترین تنبیهات بود، مدعی بود که قصد دارد با آگاه کردن پرسنل آنها را از تر و گزند "خائن" و "مارکسیست‌های اسلامی" و... معصوم و برحذر دارد (کسب آگاهی از فرماندهان قه‌به دوش یا از نودین مردم؟).

ناگفته نپیداست که چنین ارتشی دقیقاً نقطه‌ی مقابل ارتش‌های توحیدی و اسلامی است که در آنها اصل بر آگاهی و آزاد اندیشیدن و مبارزه‌ی آگاهانه در راه اهداف و مصالح ایدئولوژیک است. جالب‌توجه است که از نظر قرآن از ویژگیهای پیامبر اسلام برخاستن از میان مردم است. "هوالذی بعث فی الامم رسولاً منهم..."

## برنامه‌ی آگاه‌سازی! چگونه انجام می‌گرفت

برنامه‌های با اصطلاح آگاه‌سازی شامل مجموعه‌ای از برنامه‌های فیلم، سخنرانی، مقاله و بولتن‌های آموزشی می‌شد. مسئولین این امر فرماندهان اطلاعات و ضداطلاعات بودند آنها موظف بودند وقت مناسبی را هر هفته یا ماهانه با نندارک گلینی وسایل و تجهیزات در نظر گرفته و برنامه را به اجرا درآورند. حتی المقدور سعی بر این بود که اجرای مراسم برای سربازان، درجه‌داران، کارمندان و افسران در ۴ جلسه جداگانه انجام گیرد. با توجه به اهمیت خاصی که این برنامه برای رژیم داشت، ضد اطلاعاتها امکانات فراوانی برای آن منظور در اختیار داشتند. بهترین



سخنرانان انتخاب می‌شدند و برای هماهنگی، کمیته‌ای مرکب از افسران مربوطه در ضداطلاعات سازمانهای مختلف برای اینکار در نظر گرفته شده بودند ضداطلاعاتها می‌بایست بیست و پنجم هرماه نتیجه‌ی اجرای برنامه‌های خود را گزارش دهند. در رهنمودهای تازه را دریافت دارند. به قسمتی از رهنمودهایی که در همین زمینه داده شده است توجه کنیم: (نقل از منابع و متون مربوط به ارتش شاهنشاهی)

۱- انتخاب مکان و زمان مناسب جهت اجرای برنامه آگاه‌سازی

۲- استفاده از فن بیان و مطالعه‌ی قبلی متن سخنرانی که نیاز بروخوانی نباشد.

۳- اطمینان از شرکت کلیه پرسنل در برنامه و واخذ آمار شرکت کنندگان!

۴- استفاده در برنامه‌های بعدی از پرسنلی که در زمینه مسائل حفاظتی مطالعه دارند.

۵- ارائه کیهی (توضیحات و مطالب) از طبقه بندی خارج شده اند.

۶- نمایش فیلم‌های سینمایی که دارای متن اطلاعاتی باشد مانند فیلم (هرگز بیگانه را نبوس) و امثالهم که هنوز هم نکات اطلاعاتی آن در ذهن پرسنل بوده و هست. حتی این اواخر برای حصول اطمینان کافی از نتیجه، چونکی و تاثیر اجرای برنامه‌ها یک فرم نظرسنجی تهیه شده بود که پس از پایان برنامه‌ی آگاه‌سازی بین چند نفر از پرسنل شرکت کننده تقسیم می‌شد و نتیجه‌ی آن برای بهره‌برداری به مرکز ارسال می‌گردید.

جالب‌توجه است که یکی از مشکلاتی که همواره رژیم با آن مواجه بود فرار پرسنل و شانه خالی کردن آنها از زیر بار شرکت در این مراسم بود. آگاهی که با زور سربزه و با فشار و تهدید و تنبیه در اذهان جای داده شده، معلوم است که چه قماش هست!

با نوسل به تهدید و تشویق، پرسنل را به سالن سخنرانی بکشاند. علت این عدم موفقیت هم شرایط عینی آماده‌ی بود که در نتیجه‌ی اختلافات فاحش طبقاتی در ارتش و اختناق و تبعیض و... بوجود آمده بود. حتی گاه این برنامه ندهننا نتیجه‌ی مطلوبی برای طراحانش به بار نمی‌آورد بلکه باعث بدبینی بیشتر پرسنل نسبت به ضداطلاعات و آشنائی بیشتر آنها با واقعیات اجتماعی و سیاسی می‌گشت. به عنوان مثال پس از فرار و شهادت سرگرد محبی، رژیم که ضربه‌ی سنگینی متحمل شده و مهمتر از آن گسترش و نفوذ جو انقلابی به داخل ارتش هراسان شده بود، در صد توجه و ترساندن پرسنل برآمد به همین منظور سخنرانی‌ای ترتیب یافت که نتیجه‌اش منفضح شدن بیشتر رژیم گشت. بنا به اعترافات ضد - اطلاعات: "مدتی قبل، پس از انجام سخنرانی و تشریح کیهی سرگرد محبی علی محبی به وسیله فرماندهان در ۱- ضاها (اداره ضداطلاعات) در یکی از یگانها دونفر ابراز داشتند این برنامه اثر مطلوبی روی شنودگان باقی نگذاشت زیرا از نحوه سخنرانی اینطور استنباط شد که منبع کسانیکه به مسجد بروند یا علاقه‌ای به شاعر دینی داشته باشند مورد سوطن ضداطلاعات قرار می‌گیرند."



است. و باید افسر سخنران نشان دهد که افسر معدوم خیال می‌کرده به راه مذهب می‌رود در حالیکه از نظر مذهبی فردی مطرود و گسراه بوده است (!). زیرا: در اسلام به انجام نعید و وفای به عیهد و سوگند و اجرای این امر اخلاقی ناکند فراوان شده در حالیکه این فرد سوگند خود را زیر پا نهاده و به نعید ملی و مذهبی و اخلاقی خود وفا نکرده است. گرایش شدید و افراطی به هر مذهب و مرام مسلکی گسراهی و انحراف از راه صحیح حق را در بردارد. اصولاً کلمه‌ی تعصب از کلمه‌ی عصیانیت (!) و غیر عادی بودن وضع شخص در موقع قضاوت و تصمیم‌گیری است. موضوعی که از نظر ایدئولوژیک قابل "بحث و بررسی

## عملیات مجاهدین خلق...

فعال دانشجویان در بازار تهران در اسفند ۵۵ و اعتصابات سراسری دانشگاهها در اواخر سال ۵۱، همگی به پشتیبانی از هدفهای نهضت مسلحانه و در رابطه‌ی فعال با هدف‌های آن صورت می‌گیرد. متقابلاً جنبش مسلحانه نیز با تبلیغ مسلحانه‌ی خود با روشن کردن ابهامات سیاسی - استراتژیک موجود توسط این تبلیغ، موجبات رشد و گسترش جنبش‌های طبقات مختلف خلقی و به خصوص موجبات رشد و گسترش جنبش دانشجویی و آزاد کردن سربوهای نهفته در آن را فراهم می‌آورد.

هنگامی که عملیات وسیع ضد امریکائی از جمله اعدام زرنال برائس سرمستار نیروی هوائی امریکالیستهای امریکائی در ایران به عنوان مخالفت و اعتراض خلق ما از طرف سازمان مجاهدین خلق صورت می‌گیرد و متقابلاً دانشجویان با تظاهرات پرشور و مخالفت‌های شدید خود و سنگباران انومیل حامل نیکسون و شاه‌جنايتکار از این عمل بیستار حمایت می‌کنند و یا همینطور وقتی سرتیب ظاهری فرماندهی گارد ضداعتشاش رژیم و جلاد خونخواری که سالها رهبری عملیات سرکوب دانشجویان را به عهده داشت، توسط مجاهدین خلق اعدام می‌گردد. (شهریور ۵۱)، جلوه‌های روشن این همکاری، اتحاد و ارتباط متقابل و فعال بین نهضت

دانشجویی و جنبش مسلحانه‌ی پیشتاز به نمایش درمی‌آید. دانشگاهها و مدارس عالی که به حق سگر مبارزه‌ی ضد امریکالیستی ضد دیکتاتوری شناخته شده‌اند، بیش از پیش به مکتب پرورش مبارزین و کانون کسب تجربه و بینش سیاسی تبدیل می‌شوند.

اصول کار مخفی به سرعت به درون جنبش دانشجویی راه پیدا می‌کند و به مرور اشکال مخفی کار در محیط دانشگاهها با کار علنی تلفیق پیدا می‌کند. بسیاری از عناصر صادق دانشجویی به کار مخفی روی می‌آورند و در معقل‌های کوچک سیاسی - مخفی و گاه حتی نظامی، متشکل می‌شوند. بدین ترتیب مستعدترین و صادق‌ترین آنان امکان می‌یابند که در عصور از بروستی مبارزات دانشجویی و آیدیده‌شدن در براتیک خاص این جنبش، سطح سیاسی مبارزه‌ی خود را ارتقاء داده، آماده ایفای نقش اصلی و اساسی خود به عنوان پیشتاز مبارزه‌ی خلق در راه سرنگونی رژیم مزدور حاکم گردند. چنین حرکتی جنبش دانشجویی را به صورت اولین منبع تغذیه‌ی سازمان‌های چریکی پیشتاز درمی‌آورد. رشد تفکرات انقلابی و آوج گیری مبارزات دانشجویی در دانشگاهها، رژیم شاه خائن و طراحان مزدور سیاست امنیتی‌اش را شدیداً به وحشت می‌اندازد. بدین

است عنوان جمعیتی است که این افسر خود را بدان وابسته می‌دانسته یعنی "مارکسیست اسلامی". کسانی که حتی مطالعه‌ی مختصری در ادیان الهی و فلسفه ماتریالیسم دیالکتیک داشته باشند بخوبی به تناقض و ضدیت این دو مکتب یا یکدیگر آگاهی دارند فلسفه ماتریالیسم دیالکتیک به مبارزه‌ی تضادها معتقد است و اصل دوم دیالکتیک می‌گوید... .نکنه‌ی قابل توجه اینکه همین منطق به‌خاطر حفظ منافعتش، اسلام (مکتب خدایرستی) و ماتریالیسم (مکتب ضد خدا) را با هم تلفیق نموده و این چیزی نیست جز فریب اسخاس ساده‌لوح و بی‌پاطنه."

و یا به متن احاطه نیابد، احتمالاً سوء تعبیر می‌شود. در متن نشان می‌دهد که افسر معدوم با افسراد مذهبی تماس داشته و به‌حسیتی ارشاد تردد می‌نموده این متن به منزله استخوان بندی سخنرانی و یا به متن احاطه نیابد، احتمالاً سوء تعبیر می‌شود. در متن نشان می‌دهد که افسر معدوم با افسراد مذهبی تماس داشته و به‌حسیتی ارشاد تردد می‌نموده این متن به منزله استخوان بندی سخنرانی

آیانونیستگان این متن اکنون هستند و می‌بینند که چگونه پرسنل انقلابی ارتش از سرگرد محبی به عنوان پیشتاز این راه یاب می‌کنند و بر مکتب و عقیده‌ی او با دنبال کردن راهش صحه می‌گذارند؟

میزان تاثیر این عوامل بر بی‌باک و بی‌محابا بودن پرسنل در پیوستنشان به قیام خلق نشان دادند.

ارتش شاه و فرماندهان مزدور و وابستگانش با بلات و حماقت‌نما فکری کردند که می‌توانند با این برنامه ارتش را جدا و کنار جامعه و مردم برای خود حفظ کنند، اگر واقعات و قانوندهیهای اجتماعی حق است (که هست) پس هیچ‌تنگ نظری و اخلاقی نمی‌تواند مانع نفوذ تب و تاب و جوش انقلابی جامعه در ارتش گردد. قیام بهمن ماه نشان داد که چگونه آگاهی اصل و اراده‌ی خلق می‌تواند تار و پود عنکبوتی ضداطلاعات را در هم شکند و برنامه‌های آگاه‌سازی را بی‌اثر سازد. این واقعت را پرسنل دلیر و مستضعف ارتش در خاک و خون کشیدن ۱۶ افسر خود فروخته در لویزان، در شرکت در راهپیمائیها و درگستن فرماندهانی که روز ۱۷ شهریور فرمان قتل عام عسوی را صادر می‌کردند به اثبات رساندند. آری قیام پرسنل قهرمان هوایی در بهمن‌ماه سال ۵۷ نقطه‌ی آغاز آگاه‌سازی به معنای واقعی گلمه بود. این آگاهی باید که راه را برای ایجاد ارتشی مردمی و مبتنی برای آگاه‌سازیهای بعدی هموار سازد. آگاهی که نه از جهل‌ها و نه برمیانی خواست امریالیسم، بلکه دقیقاً حاصل درک منافعت خلق و نمایندگان راستینش بود.

### \*\*\*

بقیه از صفحه ۸

جهت بارها و بارها دانشگاهها و دانشجویان مبارز را مورد حمله و یورش و وحشیانه‌ی خود قرار می‌دهند گارد وحشی شهربانی (گارد دانشگاه) برای سرکوب آشکار و کیمت‌ی مشترک ساواک - شهربانی (که هدف اساسی آن خفه‌کردن جنبش مسلحانه می‌باشد) برای سرکوب پنهانی و نابود کردن هسته‌های متشکل دانشجویی بیش از پیش از انواع شیوه‌های امریمی و وسائل حیوانی آزار و شکنجه استفاده می‌کند.

بسیاری از دانشجویان مبارز در جریان هجوم‌های سراسری پلیس به اسارت می‌افتند و بعدها در دخمه‌های جلادان شاه زیر شکنجه‌های "رگبار قرار می‌گیرند. شهید خلیل طباطبائی از دانشگاه صنعتی، شهید سحرضا دیاج از دانشگاه شیراز و شهید حواد ضاع‌الحق از دانشکده‌ی فنی که به جرم ارتباط با سازمان مجاهدین خلق و بخش جزوات و نشریات آن به اسارت درآمده بودند، زیر شکنجه‌های وحشیانه‌ی ساواک و اطلاعات شهربانی به شهادت می‌رسند.

در اسفندماه ۵۱ در تظاهرات پشتیبانی دانشجویان مبارز تبریز از جنبش مسلحانه و اعتراضات دلیرانه - ای که علیه وحشیگریهای پلیس و کشتار وحشیانه انقلابیون ابراز نموده بودند، چندتن از این مبارزین قهرمان به‌مدت پلیس‌گشته می‌شوند.

ادامه دارد

# حقایق پیرامون حمله به مرکز مجاهدین در شیراز (۲)

۱ - محمد علی ربانی شیرازی در یک جای مصاحبه‌های خود می‌گوید که به استانداری رفته بودم که از حمله به مقر سازمان مجاهدین مطلع شدم و... به آنجا رفتم...  
 ۲ - در جای دیگر می‌گوید در راه منزل بودم که شنیدم...  
 ۳ - در حالی که همسر پنده بعد از اتمام وقایع پنجشنبه شب که به منزل آمدم و مطلع شد، شخصا به آیت‌الله ربانی شیرازی (پدر محمد علی) تلفن کرد و در حضور سه شاهد موجود دیگر پرسید که محمد علی در مقابل مقر سازمان مجاهدین چه می‌کرد و به چه سمتی آنجا رفته بود، آیت‌الله ربانی گفت که "بن محمد علی را به آنجا فرستاده بودم..." لازم به تذکر است که همسرم با سه شاهد مکتومی تلفنی با آیت‌الله ربانی، حاضرند در هر دادگاهی که تشکیل شود ساعت دقیق و عین مکالمات ردوبدل شده را با ایشان شهادت دهند.  
 ۴ - با در کنار هم نهادن سه قول فوق چگونه در صداقت محمد علی ربانی شیرازی شک نکنیم که بالاخره معلوم نیست که جنبش از کجا و برای چه و از جانب کی در مقر سازمان مجاهدین حضور یافته بود؟  
 ۵ - کسی نیست که از محمد علی ربانی شیرازی سوال کند که جنبش عالی در شهر شیراز در رابطه با حفظ امنیت و رفع اینگونه حلات چه مسئولیتی داشته و دارد که در آنجا حاضر شدید؟  
 ۶ - آیا ماورینی از سوی مقامات مسئول استان (امام جمعه - شهرتانی - سپاه پاسداران - استانداری و...) دانستید و اگر دانستید مدرک آن کجاست؟ و اگر نداشتید و از سوی پدرتان ماوریت به شما واگذار شده بود چرا صد و نتین‌گونی کرده و یکجا از به اصطلاح استانداری و در جای دیگر از راه منزل به مقر سازمان آمدید؟  
 ۷ - شما که مسئول!! بنیاد مستضعفین شیراز هستید، آیا زود خورد بین مستضعفین بنیاد شما؟! رخ داده بود که شما دخالت کردید (با بوجه به این نکته که در این مورد به خصوص هم رسیدگی به عهده سازمان‌ها و مسئولین و مقامات استان است) و با امنیت شهر به عهده بنیاد شما گذاشته شده بود؟  
 ۸ - از محمد علی ربانی نباید پرسید که شما چه کاره بودید که آنجا پیدایش شد و بلیس را که الحاق نا آمدن شما نوانسته بود وضع را آرام نگه‌داری نماید یا رفتار ناهنجار و دور از شان روحانیت خود دلسردگر کردید و صحنه را از نیروی بازدارنده بلیس خالی نمودید و صحنه را به آشوب کشیدید؟  
 ۹ - شما که به قول خودتان برای به اصطلاح آرام کردن مردم (بیشتر است که مردم را بدنام کرده و کلمه‌های مظلوم‌الحال‌ها و جفاقی به دسان را به کار برید) به صحنه آمده بودید، چرا کارگردانی تحریک هرچه بیشتر مظلوم‌الحال‌ها را به عهده گرفتید و به آشن وجود دامن زدید و صدای زحمتی به‌جای گذاشتید؟ این است صدای آرام کردن به اصطلاح مردم!!  
 ۱۰ - شما که دم از مبارزه می‌کنید؟! می‌زنید آیا این است مکتبی که از آن دم می‌زنید؟ مکتبی که ایده و هدف و آموزش و کاربرد و برخورد آن سنگ است و جفاقی و آتش و زنجیر و... و...؟  
 ۱۱ - بر فرض قبول این سخن شما که از استانداری به محل حادثه آمده بودید، چرا با نماینده استانداری آن برخورد لفظی ناهنجار را کردید؟ و نقش شما در استانداری فارس چیست که مردم نمی‌دانند؟  
 جناب محمد علی ربانی شیرازی بگذارید نکته بسیار مهمی را در پی‌نگاه ملت و مردم آگاه شیراز افشاء

کنم تا ماهیت و صداقت جنابان هرچه بیشتر روشن گردد:  
 زمانی که مسعود رجوسی کاندیدای ریاست جمهوری شده بود، ما در شیراز شاهد مستی اعلامیه‌ای با امضاء جعلی (جوانان مسلمان شیراز) از آن گروه‌های خلق‌الساعه که به یک چشم بیم‌زدن به طور فرمایشی تشکیل و بعد از اجرای منظوم‌های خاص ناپدید می‌گردند - بودیم که در آن اعلامیه‌ها با این عناوین بر مسعود رجوی ناخن بود (خلاصه):  
 جناب رفیق مسعود رجوی مگر سال گذشته در زندان خط و منی امام را مردود ندانستی؟ مگر رفتی شما...  
 مگر در برابر زندانبانان تکفلی مبارزه سیاسی و مست خالی بی‌نیجه است؟...  
 جناب ربانی شیرازی امروز ما شاهد سخن شما از رادیو بودیم که (عین صحبت از نوار بحث شده ضبط و پیاده شده است - بعد از ظهر ۵/۱۵ ساعت ۵/۱۵ دقیقه بعد از ظهر) اینگونه گفتید:  
 "مگر آقای مسعود رجوی یکی از رهبران سازمان مجاهدین خلق ایران نیامده و در زندان خط منی امام را مردود دانسته... و گفت مبارزه سیاسی با مست خالی سازگار نمی‌آید..."  
 نکاهی دوباره به این دو نوشته و گفتار ثابت می‌کند که جاب کشنده و انتشار دهنده آن اعلامیه‌ی با نام جعلی و خلق‌الساعه (جوانان مسلمان منعهد شیراز) کسی به جز

جناب محمد علی ربانی شیرازی نبوده و نیست و حال نباید پرسید که چرا آن موقع این اعلامیه با نام جعلی مذکور در سطح وسیعی چاپ و منتشر شد و امروز که میکروفونی در رابطه با افشای رادیو شیراز گیر جناب ربانی آمده است و از مقام!! با آورده‌ی خود نیز مطمئن گشته همان کلمات و همان جملات را با وقاحت نام ادا می‌کند و به قول خویش مجاهدین را به جوابگوئی می‌خواند...  
 (یک برگ مکتوبی اعلامیه‌ی کذافی جهت مطابقت با گفتارهای محمد علی ربانی بی‌بوسه می‌گردد).  
 ۹ - از جناب محمد علی ربانی شیرازی نباید سوال گردد که اگر مجاهدین مرکز شیراز اسنادی در رابطه با حیف و میل‌های سازمان به اصطلاح مستضعفین شیراز که شما مسئولیت!! آن را برعهده دارید ارائه شده است، چرا به جای ارائه مدرک و سند و دفاع از این‌ها و دیگر در جهت کوبیدن مجدد سازمان مجاهدین خلق مبدل ساخته و همان این‌ها را واهی راکظی اعلامیه‌هایی با نام جعلی "گروه خون و نسیم" به مجاهدین وارد ساخته بودید و از می‌کنید که مجاهدین بنیاد علوی را بردند و خوردند و جایبندند...؟! از شما سوال می‌کنیم که این مملکت آتذر بی‌حساب‌کتاب است که جناب عالی!! این‌همه دزدی! چاول!

جواب مستقیم و صریح به اتهام واضح و آشکار خود (که قسمی از مدارک آن از رادیو پخش شد) میکروفون رادیو رام‌نبری دیگر برای کوبیدن مجدد این سازمان مبدل می‌سازد و برادران ما در رادیو هم بی‌کوکس ترین اعتراض‌ها را به او می‌دهند که هرچه دل تنگش می‌خواهد بگوید! (در این رابطه تصور برادران مبارز و آگاه ما در رادیو نیز قابل انتقاد است)...  
 این چگونه مملکت و مملکت داری است که شما مسئول باصلاح دفتر بنیاد مستضعفین شیراز اطلاع کامل! دارید که مراکز سازمان مجاهدین خلق در سراسر ایران لانه جاسوسی!! است، ولی مقام وزارت کشور در اعلامیه رسمی چند روز قبل خود این سازمان را یک سازمان سیاسی مورد قبول و آزاد برای فعالیت اعلام و ریاست جمهوری منتخب ۱۱ میلیون ایرانی حمله به این سازمان را محکوم و مباحثین را ضد انقلاب معرفی می‌کند؟ دم خروس را ناپسندیده بگیریم یا قسم حضرت عباس‌یان را...؟  
 نباید به شما گفت که جناب محمد علی ربانی شیرازی گذشت آن زمان که با سفارهای باوهی شهنشاهی و بی‌مدرک، بتوان القاء فکرو عقیده‌ی بیمارگونه و جاه طلبانه و تحمیل نظر به خلق‌های آگاه کشورمان نمود...  
 ۱۳ - جناب محمد علی ربانی شیرازی بر فرض صحت گفتار شما مبنی بر اینکه راهپیمایی مجاهدین از سوی استانداری محکوم شده بود (که خوب می‌دانید که دروغ محض است و نه محکوم شده بود و نه مانع) جنبش عالی در امور استانداری و امنیت شهر چه کاره بودید که با وجود و حضور مسئولین، در این امور دخالت کردید؟  
 ۱۴ - شما که منکر کلیدی تحریکات خود در مقابل مقر سازمان مجاهدین در مصاحبه‌ی امروز خود (۵/۱۵/۸۸) شدید و گفتید که بنیاد برای آرام!! کردن مردم به آنجا رفته بودم خواب دهنیا جسم و گوس باز و بی‌نا و آگاه و شاهد را چگونه می‌دهید که دیدند که نا قبل از آمدن شما به محل، به جز چند برخورد خیلی سطحی و پراکنده آهیم نه در مقابل مرکز سازمان، بلکه دور از محل رخ نداد، ولی بعد از اصطلاح آرام کردن مردم از سوی شما (که همانا تحریک هرچه بیشتر آنان بود و پس) معلوم الحال‌ها و بوده نا آگاه دنبالدرو آمادگی حمله شدند...  
 ۱۵ - جناب ربانی شیرازی، با وجود و حضور بلیس و نماینده استانداری در محل حضور امام جمعه شیراز در شهر، سپاه پاسداران و... جنبش عالی چه مسئولیت و ماوریت مستقیم و غیرمستقیم در امنیت شهر داشتید؟...  
 با صرف نظر از دهها سؤال باقی‌مانده در این رابطه، من برای جلوگیری از اطالعی کلام طرح آنها را به وجدان آگاه برادران متعهدانه در رادیو شیراز واگذار کرده می‌گردم و به نام یک مسلمان مسئول و منعهد جامعه از برادران‌مان در رادیو تلویزیون مرکز شیرازی خواهم شما که در رژیم سفاک محمدرضا شاهی زیر بار زور و قلدری و مقام و... نرفید اینک این رسالت بیشتر بر دوش شما سنگینی می‌کند که اگر واقعا در راه ریشم‌یابی علیل وقایع هستید برده‌های کذافی را بالا نزنید و بگذارید برای یکبار هم که شده خلق ستم‌دیده و انقلابی و بی‌خاصیتی میهن ما... به رهبری امام خمینی دست انقلابیون بعد از انقلاب و جاه طلبان و قدرت‌پرستان را از تضاد امور کوتاه نمایند.  
 به امید آن روز با تقدیم احترام دکتور...  
 ۲۰ / اسفند ۸۸

## پاکسازی! یا اخراج عناصر انقلابی؟

حمایت و وسیع کارکنان هوا پیمایی از افراد انقلابی اخراج شده

۱ - شرکت در سازمان‌های نقاط باسرداری و انتظامات کل همافروودگاه...  
 ۲ - سعی در ایجاد بوشن حفاظتی برارهای VIP به عنوان نمونه پرواز باسر عرفات از طریق ستاد هماهنگی شورای کارکنان هواپیمایی کشور و نیروی هوایی...  
 ۳ - جلوگیری نااطمانه از خروج اسناد و اموال آمریکایی‌ها که توسط شرکت "بارا" و یا امضای امیر انتظام انجام می‌گرفت...  
 ۴ - برگرداندن هواپیمای ۷۴۷ باری آمریکایی به علت چک نشدن دقیق وساتل (که کلیه کارکنان یک ترمنال و مسئول آن شاهد هستند)، عدم کسب ارزهای تاجاچی و تحویل آنها به نماینده دادستانی آقای تاجاچی و نماینده نخست وزیر آقای گل‌احمد... و بالاخره سایه‌نگاری در شورای ملی و شورای انقلاب...

شورای ملی و شورای انقلاب اسلامی هواپیمایی ملی نیز می‌باشد، اکنون می‌کسیم تا ضمن پاکسازی در فرهنگ احصار طلبان گنی روشن‌تر شود: فعالیت‌های عمده‌ی حسود سیدی از زمان شکل‌گیری اعتصاب بدین قرار بوده است:  
 ۱ - کمک به شکل‌گیری اعتصاب در زمان اختیاتی توسط گروه‌های مخفی و شرکت در تشکیل شورای مخفی کارکنان هوا در زمان طاغوت.

۱۱۵۱/۱/۲۲

به مدیریت عامل هواپیمایی  
 از: جمیع قلم‌نویسی

تاریخ: ۳ غرض از آن‌ها نمی‌برای، ما بسیار ناگهانی و دروازه‌نشینان...  
 و این سؤال به آمده که چنانچه افراد اخراج شده بدون محاکمه اخراج شده اند؟  
 لذا با استناد به...  
 تملی و آینده هستیم.

وزیرت و شورا، انتظاب هوا  
 و جهت، آگاهی تلمه کارکنان هوا

شماره ۱

مدیریت عامل هواپیمایی ملی ایران

با ابراز تأسف از اقدام مدیر عامل، در رابطه با آقایان حواد سیدی آخوند و نماینده کارکنان در مجمع ملی و شورا امن محکوم کردن هرگونه برنده سازی و تصمیمات خودسرانه و در جریان قرار سدادن کارکنان بنوعی برکنار شدن که ضمن اخراج نامرده گردیده حضا از مدیریت هوا پیمایی محکوم گردید و برادر برای روشن شدن ادعان عمومی کارکنان را لوت نشدن تمام نمایندگان که در سپاه استازون به شورا و مساعیان برای راه‌آهن است باک دادگاه طس با شرکت افراد اخراجی و همچنین مکتوب و همکاران عمالی آنها در بان کرب و مدیریت در ازون دیگر تشکیل شود تا اینجمنس افراد سدید و برطرف‌تر که در درون شکره‌مند اعضا با نامتفر شایانی داشته‌اند و کارنامه‌ی حسود را برادرمانند بحالی افراد خاص به ملت و اعتصاب شکر که در رابطه با عوامل سازاک ششاه بودند مورد محوم قرار گیرند.

سما هرگونه تاخیر و تعلل در تشکیل دادگاه صالحه خواسته شده و همساز برای لوت کسودن قضا و بوشا... حقاوری که مونتاش به بیست شامند و نامتا با مت تفرقه بین کارکنان و نتیجه‌ی آبا با سبب دشمن رخصت مگر در محکوم کرده خواهد بود رسیدگی فوری می‌شاهیم رونوشت: مدیریت قسمت بحبت می‌گردد و اطلاع

کارکنان استاه کنسول  
 ۰۹/۱/۸۸

امام جمعه شیراز  
 امام جمعه تهران  
 امام جمعه اصفهان  
 امام جمعه مشهد  
 امام جمعه قم  
 امام جمعه تبریز  
 امام جمعه ارومیه  
 امام جمعه زنجان  
 امام جمعه همدان  
 امام جمعه کرمان  
 امام جمعه ایلام  
 امام جمعه خوزستان  
 امام جمعه مازندران  
 امام جمعه گیلان  
 امام جمعه قزوین  
 امام جمعه البرز  
 امام جمعه بوشهر  
 امام جمعه فارس  
 امام جمعه بروجرد  
 امام جمعه خرم‌آباد  
 امام جمعه کرمانشاه  
 امام جمعه ایذه  
 امام جمعه ارومیه





سخنرانی برادر طاهر احمد زاده

بقیه از صفحه ۳

فرق دین حسین (ع) (انقلاب) و دین یزید (ارتجاع)

دین نفی طبقات، دین نفی تبعیض، اما دین یزید کدام است؟ دین رزق و برق، و تزئین مسجد و مآذنه، دین تشریفات، دین نماز بی محتوا، دین حج بی محتوا، دین روزی بی محتوا، دین تظاهر و ریا، دین ریش و تسبیح بی محتوا، دین استعمار خلق، زیر نام اسلام و خدا، دین استعمار بر گرده مردم، بار دیگر سوار شدن به نام خدا و قرآن، دین نفی آزادی / از انسان در حالی که بخت انبیا به خاطر احیاء شخصیت انسان بوده است، یا ایها الذین آمنوا استجبوا لله وللرسول اذا دعاکم و لما یحییکم. دین احیاء شخصیت و تکامل شخصیت انسان، دین علی، دین حسین، دین آگاهی، الله ولی الذین آمنوا یخرجهم من الظلمات الی النور، آگاهی دادن به توده مردم، با صداقت با مردم برخورد کردن، گوش و چشم و دل خلق خدا را امانت خدا دانستن و با آن صداقت بر خاورند کردن، اما دین یزید، دین به بازی گرفتن مردم، دین فریب مردم، دین برجسب، دین افترا، دین تهمت.

ابوذر هم مجبور شد که شهادتین بگوید

ابوذر غفاری، چه در مدینه و چه در شام. در دمشق وقتی که دیدید، زیر نام اسلام و قرآن جاهلیت و اشرافیت و ارتجاع داره سر برمی آورد. دارد بر گرده خلق سوار می شود و استعمار آغاز شده، شدیدتر از دوران جاهلیت، دین ابوذر عجیب است دقت کنید، ابوذر، اول سخنش می گوید: اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول الله. (صلوات). چرا ابوذر غفاری این مردی که پیامبر درباره او گفت: آسمان سایه نینداخت و زمین در بر نرفته کسی را که صادق تر و راستین تر از ابوذر باشد. کار به چنان جایی رسیده که ابوذر در برابر مردم اول شهادت به توحید می دهد می گوید: آئی، مردم گوش کنید، من دارم شهادتین را می گویم، چرا؟ ابوذر انگشت گذاشته بود روی نقطه انحراف.

انقلاب پیامبر دین آزادی، دین قسط و عدالت، دین نفی استعمار و استبداد، حالا انحراف پیدا کرده و همان نام به بدین استعمار و استبداد و نفی شخصیت و حرمت انسان. حالا ابوذر می گوید: آئی، جلوی انحراف را باید گرفت. به ابوذر برجسب می زنند که ابوذر از دین خارج شده می بینید استعمارگران و غارتگران در برجسب زدن چه به طولانی دارند. ابوذر باید اول شهادتین اجرا بکند و به زبان بیاورد که با من مسلمانم، حواستان را جمع کنید از جسبن گویم، شب عاشورا خطبه می خواند، خدا را سیاست می گوید، بر همه سخن ها و بر همه شدت ها و بعد می گوید: حمد و سیاست خدا را که به من قرآن آموخت و مرا در دین نشیبه قرار داد چرا حسین این سخن را می گوید، زیرا برجسب خارجی به او زده بودند. چه کسی؟ تشریح فاضی. با کبشه های زر. شرح فاضی، یک روز قاضی امیر - المومنین بود. کبشه های زر که در خانه فاضی رفت، او فتوا داد که حسین از دین جدش خارج است، باید حسین را کشت، عجیب است. ای خواهران، ای برادران، از تاریخ عبرت بگیرید، از وقتی اسرا را وارد کردید، ای خانواده های شهید گوش کنید، وقتی امام سجاد را اسرا را ریب را وارد بازار دمشق می کردند مردم با دهل و... جشن گرفته بودند، تحت تأثیر تبلیغات معاویه که آئی بیائید کفکسی را که از دین خارج شده بود، کشتیم و خانواده اش را هم اسیر کرده ایم، آورده ایم،

بیاشید و ببینید. بعد در بازار شام امام سجاد سخن آغاز می کند، می گوید: منم فرزند مکه و منم فرزند زرم و صفا. منم فرزند پیامبر مصطفی - منم فرزند زهرا (ع) منم جدم علی است، یک مرتبه توده های تلمیحات نظام زور زور و تزویر معاویه زیر جتر قرآن و اسلام قرار گرفته بودند، یک مرتبه تنگان خوردند که ای دادا! خارجی همین است که دارند می آورندش؟! زینب در بازار کوفه سخن آغاز کرد و گفت: این آیهی قرآن را - ولا تکنوا کالتی نکضت غزلیها من بعد قوه انکالا تتخذون ایمانکم دخلا بینکم ان تکنوا مبهیاری من امه آئی، بر دمی که به نام اسلام و قرآن شما را فریب دادند، نباشید مانند آن زن جاهلیت که صبح پنبه را می داد، می رسیدند و شب دو مرتبه آنها را باز می کرد، کار جنون - آیز احمقانه. این ضرب المثل بود در بین اعراب و قرآن به این ضرب المثل اشاره می کند، مثل آن زن نباشید، خون شهیدان احد و بدر زینب به این آیه اشاره می کند.

ان تکون امه هی اربی من امه جامعه یاک و برادری و برابری و نظام عدالت صدر اسلام را به این نظام کثیف استبداد و استعمار دو مرتبه تبدیل کرده اند.

ان تکون امه هی اربی من امه آری چرا با این مردم با این توده های پاک از نظر احساسات مذهبی چرا این جور رفتار می کنید، این توده را فقط با شماره ها به خیابان می کشانند، اما یک جو آگاهی اسلام انقلابی را به این توده نمی دهند، باید هم بدهند، زیرا می خواهند بر گرده این توده، به نام انقلاب اسلامی از نوسوار شوند، استعمار مدرن (شعار مردم: آزاده، آزاده، طاهر احمدزاده)

سخنی با رئیس جمهور

خواهران و برادران شما وظایف سنگینی در عصر انقلاب و در شرایط حساس کنونی بر عهده دارید، که بقیه در صفحه ۱

نکردید، (کف زدن) که بعد در شرايطی که دشمن از خارج (امریالیسم آمریکا، نظام فاشیستی بعثت عراق و دیگر اهریمنان بین - الطلی) علیه ما بسیج شدند و ما بیش از هر زمانی به وحدت صف در مقابل دشمنان احتیاج داریم، این گونه دشمنانمان را دل شاد کنیم. استاد تهرانی، استاد شریعتی دپروز تلگراف تهران، این رئیس جمهور



استاد علی تهرانی و برادر طاهر احمدزاده، قبل از انجام نماز سر جنازه ی مجاهد شهید مشکین قام.

خواستند که هر چه زودتر بازرس ویژه ی شخص خودشان را، بازرسی که به حسی به جانی بستگی نداشته باشد. بازرسی که به کانون توطئه ها سرسپرده نشده باشد، چنین بازرسی را بفرستند تا به این جنایت رسیدگی شود، و مسئولینش را هر کس را و در هر مقامی که هست معرفی کنند و به دادگاه بکشانند. (کف)

وظیفه ی ما

خواهران و برادران شما وظایف سنگینی در عصر انقلاب و در شرایط حساس کنونی بر عهده دارید، که بقیه در صفحه ۱

اعلامیه جاما راجع به حمله چماق داران به استاد مجاهدین

به نام خدا مردم قهرمان مشهد شهر ما در دو روز گذشته شاهد صحنه های دلخراشی بود که طی آن نه تنها حرمت انسانی، بلکه بسیاری از ارزشهای والای انقلاب شکوه مند اسلامی ما در مظان تهدید قرار گرفت عناصر بی اطلاع و تحریک گردیده، بی توجه به فرامین امام امت خمینی بزرگ که بارها حفظ آزادیهای سیاسی را تصریح فرموده اند و بی توجه به بیان رئیس جمهوری که تجاوز ضدانقلابی نداشتند. با حملات بیرحمانه و خلاف اسلامی به مراکز خارج از دانشگاه مجاهدین خلق در مشهد موجبات خدشه دار ساختن وجدان هر مسلمان آگاه و سوز من به میانی یک اسلام انقلابی را فراهم ساختند. شهادت برادر مسلمان شکور مشکین قام و زخمی شدن صدها تن از خواهران و برادران مجاهد و هتک حرمت از انبوهی دیگر از مبارزان مسلمان، اوجی دیگر در محدود کردن آزادیهای تصریح شده در قانون اساسی ایران است. جریان - های مخربی که آگاهانه چنین اقدامات نفاق انگیزانه را رهبری می کنند -

سخنرانی استاد علی تهرانی

بقیه از صفحه ۳

ببینید چه می فرماید ای پیامبر من به اینها بگو؟ ملتت به قومت و به امتت که از همه ی انسانها از حالا هستند تا آخر تاریخ تا روز قیامت به اینها بگو: انما اعظمکم بواحدہ این است و جز این نیست، تنها همین یکی تنها من شمارا پند می دهم موعظه می کنم نصیحت می کنم، سفارش می کنم به یک چیز، یک چیز تنها، دقت می فرمایید، این باید چه چیز باشد

ظلم می رود و تجاوز نابود می شود، و دیگر بشر برده ی بشر نمی شود. از بردگی آزاد می شود، زر و زور و تزویر پایان می گیرد، آن چه، یک چیز انما اعظمکم بواحدہ یک چیز ان تقووا لله قیام بکنید، برای خدا، بگوشید برای خدا، پایدار باشید برای خدا، کارهایتان برای خدا باشد، در همه ی حرکاتتان، برای خدا باشد، در همه ی کارهایتان برای خدا باشد، اگر حرکتتان خدا را در نظر بگیرید، اگر دیدید این کار را دارید برای خدا انجام می دهید، ادامه بدهید حرکت کنید در آن، اما اگر دیدید بای نفس در کار است، قدم شیطان در کار است، افکار دیگر، خواست دیگر گرایش دیگر در کار است، عیب بکشید، آن را انجام ندهید، اگر این کار را کردید همه چیز درست است قیام الله کار برای خداست که نتیجه دارد و به نتیجه می رسد. اما برای غیر خدا اثر شد، بدانید که بی نتیجه است بر حسب جریان فلسفی که نمی خواهم استدلال فلسفی را نقل کنم، در بعضی از کتابهای نوشته ام، بر حسب قرآن و... همین است. البته خیال نکند در این مکتب غیر خدایی هم هستند و به نتیجه می رسند. آن مکتب غیر غیر خدایی هم هدف غیر خدایی دارند که باید برای هدف باشد، ولی ما مسلمانها هدفمان خداست، چون ما برای عالم می داریم، موجود غیر متناهی را مؤثر در این عالم می دانیم، از او کمک می گیریم و می گوئیم لا حول ولا قوه الا بالله هیچ قدرت و حرکتی نیست الا او. لذا ملت ما باید لله قیام کنیم. به هدف جهت که زنده می شویم، اگر هدف نداشته باشیم، جهت نداشته باشیم، مرده ایم، مرده نمی تواند، حرکت کند، مرده نمی تواند به جایی برسد، مرده هرجا بیفتد همان جاست پس ببینید الله شما را جهت می دهد، برای هدف می کشد، برای حرکت می کند و طرف حرکتتان می رود تا آن جا که برسد، اما اگر غیر خدا شد حالا اگر حرکت برای ریاست شد، برای مال دنیا شد، برای اسم و رسم شد، برای منصب شد، خوب شما از آن راه دارید، می روید سر تا به سنگ می خورد، مشکل می شود، می بینید که به این جهت نمی رسید، می بینید این جا ریاست ندارد، این جا پول ندارد، این جا منصب ندارد کج می کنید و منحرف می شوید، بالاخره هم به نتیجه نمی رسید، اگر هم یک چیزی در دنیا گیرتان بیاید می دانید دنیا فانی است و زائد. اصیل الرفتنی است، گرچه نوعی از این افراد، بالاخره در این دنیا هم خوار می شوند. در همین دنیا هم دلیل می شوند، لذا روایت داریم من يتوکل به غیر الله ذل. هر کس اعتماد بوزد، تکیه کند، پنهانده بشود، تکیه داشته باشد، به غیر خدا ذلیل می شود. بالاخره روایت داریم کسانی که برای افرادی کار می کنند، نه برای خدا، همان افراد جزائشان را می دهند، تلافی می کنند و جزای این قشر را می دهند، از برای آن شخص است، این که غیر خداست و خدایی نیست و اینها کار می کنند، فرمانش را می برند، همان پدرشان را در می آورد، همان جزائشان را می دهد، پس آن که اهمیت دارد، من به تمام وجودم در این. سنم تجربه کردم، آتس که قیام برای خدا باشد، شما نگاه کنید این قدم اگر الله شد، بر دار و بدان نتیجه دارد. بدان به هدف می رسی بدان بشیمائی ندارد. حضرت امیر عبدالله برای خدا قیام کرد و آمد طرف کوفه برای هدایت مردم و در طرف نشد، اما هیچ انوس هم ندارد و ناد هست هر جایی که به شهادتین، هر دقیقه که به شهادتین نزدیکتر می شد، برافروخته تر می شد طرف هدف می رست، چرا؟ چون الله بود، حرکتش لله بود شکست ندارد، گشته شد هم شهید شدی هم بیروزی است و اما اگر برای غیر خدا شد، رسیدن به منصف هم رسیدن به مالت هم رسیدن به جاش هم

# سخنرانی برادر مجاهد محمود انقی

بقیه از صفحه ۴

می خواست از زندان آزاد بشود (معمولا بجهت موقتی که آزاد می شدند، به این دلیل شادوخندان می رفتند بیرون که می توانستند باز هم فعالیت کنند.) اما این شهید مجاهد گریه می کرد، می گفت آخرین چه جوری جدا بشم، من سالها دنبال مجاهدین می گشتم، مجاهدین را پیدا کردم، حالا کجا بروم، این روحیه انقلابی شهید، نشان دهنده عشق و ایمان و علاقه او به سازمان مجاهدین بود. به این دلیل که سازمان را تبلور ایدئولوژی واقع - گرای - توحیدی می دانست.

## دعوت از مردم برای تماشای آثار ارتجاع

ما از مردم دعوت می کنیم که بیایند از ستاد مجاهدین دیدن بکنند تا بفهمند شاهکار این مدعیان اسلام چه بوده است؟ و به عینه ببینند که وقتی از ارتجاع صحبت می کنند،

اما بگذارید در آخر سخنانم بشارتی هم بدهم به برادران و خواهرانم بدهم و آن اینکه برادران با مافات

**مردم مشهد می پرسند:**  
چه کسانی در پشت پرده جنایاتی که در مشهد انجام گرفت وجود دارند؟  
چه کسی دستور بسیج گروهی از سلاخوارا برای حمله به ستاد مجاهدین صادر کرد؟  
آیا این است اسلامی که حضرات اسلام پناه مدعی آن هستند؟

بقیه از صفحه ۹

## سخنرانی استاد علی تهرانی

اسرائیل و منین این است که عجله در قضاوت نباید کرد، یا تا عمل حکم منتقل شده یعنی خودشان جهت بشود. آن حکم اجرا بشود، نسبت به جانی نسبت به کسی که خطا کار و پیروی می کردند از کفر خودشان، است جنایت کرده، ظلم و جریمت دارد، ولی بدون حکم حاکم شرع بدون این که حکم قاضی باشد، حق نداریم حتی کار را حق نداریم، که بکشید به شما چه، به شما چه که این کافر است یا کافر نیست، شرک را نبود، ضعیف النفس بود، ضعیف العقل بود، فکر نداشت، تعقل نمی کرد این آیه ان احد من المشرکین استجاری فاجره.

اگر یک مشرکی از توطئه امان کرد، امان بده... بدون این که قاتل باشد، بدون این که واجب القتل باشد. "لکانما قتل الناس جمیعا". آن قاتل همی مردم است. کسی که حتی قتل عمدی بکند، جایز در جهنم است، مگر ما برای خودمان برای مال و منال کار می کنیم، اموال داریم، خاک بر سر ما، و محکوم است، به واقع اگر می گوئید که ما مسلمانیم، کفوف داریم، خدا برستیم، لله حرکت می کنیم، شمارمان تنها لله باید در شمار باشد و در عمل...؟ هوا را می گوید، تنها تری ندارد، عمل ما اثر دارد، یا اگر لله باشد، باید عملمان لله باشد، آن جانی که خدا گفته نرو جلو ترمز نه اینکه ما ترمز دست خودمان نیاند. روی چشم و غضب بخواهیم حرکت کنیم... این آیه شریفه را من برایتان می خوانم، ببینید که قرآن همیشه زنده است، سوره ای ابراهیم آیه ۲۵ و بجزو الله جمیعا "نقال الضعفاء للذین استکبروا ان کانکم تبعاً" قبل انتم مغنون عنان عذاب الله من شیء قالوا لو هدینا الله لهدیناکم سواء علینا اجزعا ام صیرنا مالکنا من محییین.

این آیه شریفه را ببینید و برزوالله جمیعا" اشاره به روز قیامت است، همی مردم محتور می شوند ان الله و ان الله راجعون. همه به سوی خدا می روند همه ما مثل هم می شویم بعد از آن، ضعیفا، ضعیفا کی هست...؟  
نودهی مردم این نوع مردم که

اختیار ماهست، بنابراین ما بعد از خاتمی مراسم، همه باهم بدخانهی خودمان خواهیم رفت (ابراز احساسات شدید مردم، ماهه حاسی توایم مجاهد، مجاهد پیروز است، ارتجاع نابوداست،) می دانم کهمهی خواهران و برادران، خسته شده اند، اما اجازه بدهید چند دقیقه دیگر هم تشریف داشته باشید تا مراسم تمام بشود بعد انشاءالله همه به ستاد می رویم بنابراین از همه ی خواهران و برادران مان خواهش می کنیم که به ساختمانیکه در خیابان بهشت داشتیم کسی نرود، و به حرف انتظارات برادران و خواهرانی که در آن جا هستند دقت بکنند و گوش بکنند موفق باشید، (ابراز احساسات مردم)

## سخنرانی برادر طاهر احمدزاده

(ع) در نهج البلاغه می گوید: صبر و فی العین قذی و فی الحلق شجا". صبر انقلابی کردم مثل کسی که خار به چشم فرورفته بود او استخوان راه گلویش را گرفته بود، شما خواهران و برادران، حماسه ای از صبر انقلابی آفریدید، شما خواهران و برادران نشان دادید که کیسه اسلام ایضا، باسلام علی، باسلام بودی و اسلام انقلابی مؤمن است، مصالح ملکت و انقلاب را در برابر امیرالیم آمریکا در برابر صهیونسم، در برابر تجاوز نظام فاشیستی عراق، هرگز ندای این گونه اعمال زشت ارتجاعی و اقدام متقابل در برابر آنها نمی شود. (دست زدن حضار).  
درد خدا و درود بیامر خدا بر شما بیروان راستین راه او باد.  
والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته.



## گفتگو با مردم در جریان بازدید از جنایات ارتجاع در ساختمان حنیف

مردم مشهد برای بازدید از ساختمان حنیف نژاد، جایی که برادران و خواهران ما در آن جا حمله آفریدند، به طور مرتب مراجعه می کنند. در اولین روزهای حمله، با چند تن از بازدیدکنندگان مصاحبه هایی انجام گرفته که در زیر برخی از آنها آورده می شود: یک بازدیدکننده: اعمال وحشیانه ای انجام دادند، راه پیمایی خیلی خوب، فعالیت سیاسی حق هر آزاده است و نیز حق قانونی مجاهدین است، حمله کنندگان بیرو و واقعی دولت و امام نیستند.

یک بازدیدکننده: دست های خائنی در کار است که مردم را تحریک می کنند و به جان هم می اندازند. راستی چرا مجاهدین مقاومت کردند؟ و این همه تلطات دادند؟

یک کارگر: همسایه ما آدم بی چیزی است و بجهت جماندار بودند، در جریان حمله دیروز، دست داشتند، بر پشت یک نفر آمد و چند کیسه برنج برایشان آورد. بیرون ۶۰ ساله: کسی نیست که این خبر و حایرت را نداند و عاقلین آن را عم مردم می شناسند، که همان استاندار... بوده اند.

یک کارگر: ۳۰ ساله: حالا شهیدم حق با گشت، مجاهدین حق دارند. کارگر جوانکار ۲۵-۲۶ ساله: من "تلا" طرفدار سازمان نبودم؟ ولی با دیدن این جریان کاملاً طرفدار اینها شده ام، این حملات خیلی

یک کارگر: این کارها جزء به سود دشمن به سود چه کسی است؟ بنای ۴۵ ساله: آیا این کار مردم است؟ نه، مردم این قدر بی شرف نیستند که بیایند و این کارها را انجام دهند.

محصل بازدیدکننده: این عمل ضد امام است و یک عمل هرج و مرج طلبانه است، از همین شعارهایی که روی دیوارها نوشته اند، معلوم است اصلاً نمی فهمند که چه می گویند؟ یک مادر: اینها بایستی این همه زحمت و شهید می دادند تا مردم می فهمند اینها کی هستند و شهید شدن لیامت اینهاست.

یک پدر: برخی مقامات بالا صدر صد شرکت دارند. سوال از یک کارگر: آیا سچا معین را می شناسی؟ چطور آدم های هستند؟ گفت: نمی شناسم ولی تا حال بدی از اینها ندیدم. یک بازدیدکننده: دزخیان آریا سهری این کارها را نکردند.

عذاب ناراحتی ها، داغ دیکدیگی ها، نادرستی ها، فسادها و ناملات دنیوی و اخروی... ان هوالانذیر لکم بین یدی من عذاب شدید ببینید از یک عذاب شدید، جلوی یک عذاب شدید را می خواهد از شما بگیرد، نه مال آخرت نه مال دنیا، هم دنیا هم آخرت، هم تاسودگی ها، پشمی ها، نادرستی ها، عذاب های دنیوی، هم عذابهای اخروی پس اگر ما واقفاً مسلمانیم، واقفاً ایمان داریم، به خدا و واقفاً ایمان می دانیم، و قرآن را حق می دانیم اگر که فلسفه ای این مطلب را هم ندانیم، باید عمل بکنیم، تنها حرکتیمان، فعالیتیمان، قیامان برای خدا باشد.

او شما را از یک عذاب بس دردناکی دارد برحذر می دارد، دارد اخطار می دهد که می آید توی این عذاب بیفتی هم عذاب دنیوی هم عذاب اخروی مطوم می شود که این قیام لله نند برای نفس شد، برای خاطر دیگر شد، عذاب الیم در انتظارش هست هم در دنیا و هم در آخرت پس این طور دارم فریاد می کنم، نه این که دیوانه باشم، نه این که عقل خودم را از دست داده باشم و نه این که شما را دارم می ترسانم برید که می آید توی

می خواهید دلتان خوش باشد، هوای نفس را ننگید، هر جا دیدید برای خداست، بروید اگر ما این را سرشتر ترار بدیم، بدانید که ما به نتیجه می رسیم، ذیل آیهی شریفه اول چه بود، ثم تتفکروا یعنی ای پیامبر من به شما نصیحت می کنم، بند می دهم به یک چیز که قیام برای خدا کنید، ثم تتفکروا سپس فکر کنید که بدانید... پیامبر اکرم دیوانه نیست چنان چه ابوجهل ها می گویند: اندامتون دیوانه است، نه او دیوانه نیست، پس چرا این قدر خدا را به رخ می کشند چرا این قدر ملت را و مردم را دعوت به توحید می کنند، برای این جهت است که ثم تتفکروا و ما بصاحبکم من جنه وان هوالانذیر لکم بین یدی من عذاب شدید.

او شما را از یک عذاب بس دردناکی دارد برحذر می دارد، دارد اخطار می دهد که می آید توی این عذاب بیفتی هم عذاب دنیوی هم عذاب اخروی مطوم می شود که این قیام لله نند برای نفس شد، برای خاطر دیگر شد، عذاب الیم در انتظارش هست هم در دنیا و هم در آخرت پس این طور دارم فریاد می کنم، نه این که دیوانه باشم، نه این که عقل خودم را از دست داده باشم و نه این که شما را دارم می ترسانم برید که می آید توی

**تذکر:**  
ضمیمه یوزش از استاد علی تهرانی و مردم مبارز مشهد متذکر می شویم که به علت نقص نوار، سخنرانی نتوانستیم بعضی از جملات ایشان را بیاده کنیم.

بقیه از صفحات

# مردم گرائی توحیدی و مردم گرائی مبتذل (۳)

روشن می‌سازد که انبیا از همان آغاز رسالت خود، بد سراغ مردم می‌رفتند و آنها را برای پیاده کردن اهداف انقلابی خود بسیج می‌نمودند. می‌دانیم که اسلام با طلوع خود و در همان زمان حیات پیامبر یک نظم نوین مردمی و انقلابی را جایگزین نظم اسرافی و ضد مردمی قبلی نمود. علی (ع) چنان به خلق عشق می‌ورزید و چنان با آنها در می‌آمیخت که امروزه هر کس نمونه‌های آن را مطالعه می‌کند غرق در حیرت می‌شود (به نامه‌ی علی (ع) به مالک اشتر و تاکیدات او در باره‌ی مواظبت از توده‌ها رجوع کنید).

## مسیحیت (نقلی)

مسیحیت نیز در بطن مبارزه‌ی مردمی که تحت امپراطوری روم بسر می‌بردند جای گرفت، خود عیسی که در سلسله مسیح موعود ظاهر شده بود یک انقلابی عاشق بیکار در راه خدا و خلق بود.

به همین جهت طبقه‌ی حاکم رومی کوشید با شگجه دادن، کشتن و سوزاندن کسانی که با او می‌گرویدند دین جدید را نابود کند: " مسیحیان را طعمه‌ی جانوران وحشی می‌کردند، به دنبال آراهه می‌سپردند و روی زمین می‌کشاندند، بی‌سوزاندند... به مسیحیان می‌گفتند: " امپراتور را نیابتی کنید تا جان خود را نجات دهید " اما هیچ حکمرانی به امپراتور نوشت: " این عقیده جدید نه تنها در شهرها، بلکه در کوچکترین روستاها نیز رسوخ یافته است... دین جدید (مسیح) برای عامیان که هیچ آشنایی با "افلاطون" یا "سنگا" نداشتند از همه چیز عزیزتر بود. در شهرهای بزرگی چون اسکندریه و قیصریه، مردم در گوی و برزن جمع می‌شدند و با اشتیاق به سخنان واعظان مسیحی گوش فرا می‌دادند. بیشتر این مردم از پیشه‌وران بردگان و تهیستان بودند... (انسان‌گردنگاه تکامل می‌یابد) (۲۶۴) جان برنال در کتاب علم در تاریخ، مصلحت‌مردمی نهضت‌های انبیا را چنین توصیف کرده است:

تبلخ کتاب مقدس وجهی دیگری دارد، این کتاب خود از بن مردمی است. عدالت آن گونه که در تورات می‌بینیم، اساسا اعتراضی بود علیه تجاوزکاری‌های صاحبان زر و زور، که در آن زمان نیز به ظلم و ستم خو کرده بودند. مردم به این فکر افتادند که شاید به نام قانون و میناق و یا پشتیبانی عموم بتوان از این تجاوز جلوگیری کرد. قوم یهود نخستین قومی است در تاریخ که به خاطر اندیشه، مبارزه کرده است و جنگ‌های "مکابیان" شاهده‌ی است بر شیفتگی عقیده و دلاوری آنها. تاریخ یهود نماینگر مبارزات دانشداری است که به نام خدا و در راه استیغای حقوق مردم صورت گرفته است. تورات به طور مستقیم در مسیحیت و غیر مستقیم از طریق قرآن در اسلام، الهام بخش جنبش‌های انقلابی خلق بوده و همیشه این جنبش‌ها را بر حق تلمذ کرده است... ایمان یهودیان، چه به صورت اصلی خود و چه در قالب مسیحیت که به میزان زیاد از یهودیت مشتق شده بود، به سبب وجهی سخت مردمی خود پس از واژگون شدن تمدن کلاسیک همچنان پابرجا ماند... (ص ۱۲۷ علم در تاریخ جلد ۱)

مطلب چنین می‌خوانیم: " از دوران سلطنت خاندان عمری، اسرائیلیان علیه پادشاهان و سران قوم خود بیخاستند: این عریان‌ها جنبه‌ی مذهبی داشت، دهقانانی که در آرزوی اصلاحات اجتماعی بودند، همواره به امید ظهور "شاهی" عادل و "شاهی واقعی" نبی خدا و فرستاده‌ی خاص او دل بسته بودند، تا با ظهور خود یوغ کار اجباری و چماق نگهبانان را براندازد و صلح و عدالت برقرار سازد، سخنویان این مردم بیغمیرانی بودند که غالبا در رأس جنبش‌های توده‌ای ترون نهم و هشتم قبل از میلاد قرار داشتند (ایمان را با پیامبرانی که رسا درمآب سلطنتی اورشلیم و ساماره که به عنوان عوامل وفادار روحانیت و سلطنت عمل می‌کردند نباید اشتباه کرد) نهضت‌های توده‌ای غالبا به تغییر خاندان سلطنت سحر می‌شد ولی وضع کشاورزان هرگز بهبود نمی‌یافت. از قرن هشتم ناراضی به تورش مبدل شد، بیغمیران "قرو" ریختن همی باروها" و "قتل عام بزرگ" منخجوانی را که به خلق ستم می‌کردند پیشگویی می‌کردند:

## چشم اندازی که دین توحیدی برای تاریخ ترسیم کرده اند.

ماهیت مردمی جریان‌های اصل توحیدی که انبیا در مقابل "مردوها"، "فزعونها"، "قیصرها" و "ابوجهل‌ها" بوجود می‌آوردند، هرگز قابل انکار نیست، حتی دانشمندان ماتریالیست نیز مقررند که در تاریخ‌ترین اعصار جهل و بندگی، این انبیا بودند که توده‌های مردم را علیه طبقات استثمارگر می‌شوراندیدند. در کتاب تاریخ جهان باستان در باره‌ی این مطلب چنین می‌خوانیم:

از دوران سلطنت خاندان عمری، اسرائیلیان علیه پادشاهان و سران قوم خود بیخاستند: این عریان‌ها جنبه‌ی مذهبی داشت، دهقانانی که در آرزوی اصلاحات اجتماعی بودند، همواره به امید ظهور "شاهی" عادل و "شاهی واقعی" نبی خدا و فرستاده‌ی خاص او دل بسته بودند، تا با ظهور خود یوغ کار اجباری و چماق نگهبانان را براندازد و صلح و عدالت برقرار سازد، سخنویان این مردم بیغمیرانی بودند که غالبا در رأس جنبش‌های توده‌ای ترون نهم و هشتم قبل از میلاد قرار داشتند (ایمان را با پیامبرانی که رسا درمآب سلطنتی اورشلیم و ساماره که به عنوان عوامل وفادار روحانیت و سلطنت عمل می‌کردند نباید اشتباه کرد) نهضت‌های توده‌ای غالبا به تغییر خاندان سلطنت سحر می‌شد ولی وضع کشاورزان هرگز بهبود نمی‌یافت. از قرن هشتم ناراضی به تورش مبدل شد، بیغمیران "قرو" ریختن همی باروها" و "قتل عام بزرگ" منخجوانی را که به خلق ستم می‌کردند پیشگویی می‌کردند:

گمان نمی‌کردیم که در این روزگار با افتخار ترفتنند. ششم اردیبهشت یک سال است که "سعدتی" در زندان است. توگویی که یک سال است که "آزادی" زندانی است در این مدت کمیته‌ی مستقر در جاسوسخانه، غیر قانونی اعلام شد و طی یک درگیری منحل گردید. اما "سعدتی" همچنان در زندان است. آیا باز هم می‌بایستی، برای "آزادی" در زندان بود؟! آیا... آیا...

# پیام مادر رضائیه‌های شهید در هفتمین شب درگذشت خواهر دگتر فاطمی، قهرمان شهید

وی و به تمام مردم آزاده و مبارز و به خصوص به زنان رزمنده و قهرمان ایران تسلیم می‌گویم. بانو سلطنت فاطمی به عنوان زنی مبارز و شادکار که تا پایان عمر تن به تسلیم نسرده و کینه و نفرت خود را از رژیم سفاک شاه پنهان نمی‌نمود، از جمله‌ی زنان نادری است که در روزهای تاریک سلطه‌گری اختنای و دیکتاتوری، در کنار برادر قهرمان خود دکتر فاطمی برای آزادی

و بر ضد استبداد و استعمار به مبارزه برخاست. و اقدام شجاعانه‌ی وی در دفاع از برادری در برابر اوباش چاقو - کس معروف است. وقتی از بانو فاطمی صحبت و تحلیل می‌کنیم، نمی‌توانیم از شهید قهرمان دکتر سید حسین فاطمی یاد نکنیم. دکتر فاطمی ستاره‌ی تابناک آسمان انقلاب رهائی‌بخش ایران است. که چه‌بدری او در کاروان شهیدان درخششی ویژه دارد. آن چه به دکتر فاطمی چنین خصوصیتی می‌دهد، فاطمیت و اراده‌ی آهنین و شکست ناپذیری وی در مبارزه بر علیه غارتگران استثمارگر بین‌المللی و هم چنین بر ضد رژیم استبداد و اختناق و زورگویی و ارتجاع می‌باشد. به علت همین فاطمیت و سازش ناپذیری بوده که دکتر فاطمی در معرض حملات وحشیانه‌ی استثمارگران و ایادی چاقوکش و چاقوآرا آنها قرار می‌گرفت. متأسفانه اکنون هم که رژیم طاغوتی به همت خلق قهرمان ایران سرنگون شده، مشاهده می‌کنیم که چگونه امیرالیمم جهانخواهر آمریکا بر علیه انقلاب ما دأما توطئه می‌چیند و در این مسیر است که باز هم اوباش چاقوکش و چماق‌دار

هر روز یویندگان راه دکتر فاطمی شهید را مورد وحشیانه‌ترین حملات قرار می‌دهند. به طوری که می‌دانید در همین چند روز اخیر صدها نفر از این نوزندان مجاهد در اثر حملات چماق‌داران مجروح و مصدوم شده و دیروز در مشهد یک نفرشان در جریان حمله‌ی چماق‌داران به ستاد مجاهدین خلق به شهادت رسیده‌اند. ما امیدواریم که این توطئه‌ها در اثر بیداری مردم قهرمانان خنثی شده و راه فاطمی‌ها در جهت نیل به استقلال و آزادی کامل میهن با فاطمیت پیموده شود و هم چنین امیدوارم که زنان قهرمان ایران نیز بسان بانوی عقید، خانم سلطنت فاطمی، رسالت خود را در پاسداری از دست آورده‌ی انقلاب و حمایت از فاطمی‌های زمان یعنی انقلابیون راستین و به شمر رساندن خون شهیدان به بهترین وجه ایفا کنند.

درد و بهمانوی مبارز خانم سلطنت فاطمی درود به شهید قهرمان دکتر سید حسین فاطمی درود، به تمامی شهیدان خلق

## "لایه‌های فروردین"



در دومین بهار آزادی !!!  
اولین انشایت را برای پدر، بنویس.  
فروردین، اولین ماه بهار است.  
گلها شکفته می‌شوند.  
فروردین ماه، در گلزار خون رنگ مجاهدین لاله می‌روید.  
با آیه‌های رحمت باران، این ماه دیروز، از عقیق پاک خون مجاهدین میدان تیر چیتگر کوچه‌های خلوت تهران تپه‌های غریب اوین و امروز،

## چه کسانی، با دانشگاه و دانشگاهیان دشمنی می‌ورزند؟

روحانیت و دفتر حزب جمهوری اسلامی خرم‌آباد: ... خلق بد توطئه‌گران سودجو و مزدوران جبنا و منافقین تحریب کننده قانون اساسی، و تعطیل نمودن ستادهای عملیاتی این گروه‌های فاسد ضد جمهوری اسلامی ایران از مراکز علم و تحقیق موجب کمال رضایت ... گردید. آمادگی خود را جهت آمدن به شهران حوآآثار این پلیدان وابسته به آمریکا و شوروی ... اعلام می‌داریم. \* (۲ اردیبهشت) - اطالعه واحد دانشجویی حزب جمهوری اسلامی ... حال که غالب شورش‌های ضد اسلامی ... در دانشگاه شکل می‌گیرد، ضرورت انقلاب فرهنگی انکار ناپذیر است \* (۱۳ آبان ۵۸) - پیام واحد دانشجویی حزب جمهوری اسلامی به مناسبت روز دانشآموز: ... در چنین روز الهی، تو دانش آموز انقلابی، همراه با برادران و خواهران دانشجوییت، برای اعتراض به ادامگی حیات رژیم مغفور، در میادگاه عشق، یعنی به دانشگاه، سنگر آزادی و حق خواهی، حاضر شدی ... امیرالیمم و ایادی مزدور آن، در کمین‌آندند تا از هرگونه زمینگی مساعدی برای به آشوب کشیدن نظم جامعه و در نهایت، تعطیل نمودن مراکز فرهنگی و تولیدییمان استفاده کنند. \* (۱ اردیبهشت) - باهنر: با تعطیل دانشگاه‌ها بسیج بیشتر نیروها برای تغییر بنیادی امکان پذیر خواهد شد. \* (۳۰ فروردین) - سمرقاله "حزب جمهوری اسلامی" ... مگر نه آن که دانشگاه‌های ایران ... به صورت مامن و ماوای ضد - انقلاب در آمده است؟ ... محمدرضاخانگی خود، جز سربلی برای رجعت امیرالیمم به ایران نخواهد بود ... گروه‌ها توانستند با حفظ همان ساخت طاغوتی قبلی دانشگاه‌ها، این محیط را پایگاهی برای تهاجم خود به سمت نظام جمهوری اسلامی قرار دهند ... امروز انقلابی در دانشگاه‌ها آغاز گشته است ... چشم‌های نگران خلق اکنون به دانشجویان مومن از سوسی و به مقام‌های اجزائی از سوی دیگر دوخته شده است و ما می‌دانیم که دانشجویان دست از

خون و شهادت نثار سازمان و لاجرم این سرود می‌شود ... گویی این سرود زنده است و با مجاهدین رشد می‌کند ... و بعد دوباره شروع کرد ... سرانجام شکور سربلند و مغرور از زندان رهائی یافت و در متن خلق به مبارزات خود ادامه داد ... شکور تا این که دیروز شنیدیم ... شکور شهید شد؟! با گلوله مغزش را متلاشی کردند ... از جلوی چشم خاطرات "شکور" رزه می‌رفت ... پایمردیهایش، وفاداریش و تقوایش ... همسر مبارزش و کودک خردسالی (یاسر) ... در گلویم تلخی عجیبی احساس کردم، یادم آمد عبدالرسول راستی شکرالله به دست چه کسی و با مشکین نام ... در میدان‌های تیرشاه به وسیله مزدوران و ساواکی‌ها به به رگبار بسته شد و شکرالله مشکین نام

## "از سول تا شکور"

بقیه از صفحه ۱۲  
تذکره: گویا پاسداران کمیته‌ی منطقی ده در نامه‌ی به آقای بنی‌صدر نامه‌ی را که پاسداران اخراجی آن کمیته به مجاهد نوشته و ما آن را چاپ کرده بودیم مجبور دانستند. از این آقایان می‌خواهیم چنانچه به حرف خودشان اعتقاد دارند از طریق قانونی اقدام کرده تا ما نیز اسامی نویسندگان را به مقامات مسئول اعلام کنیم.  
بقیه از صفحه اول  
گمان نمی‌کردیم که در این روزگار با افتخار ترفتنند. ششم اردیبهشت یک سال است که "سعدتی" در زندان است. توگویی که یک سال است که "آزادی" زندانی است در این مدت کمیته‌ی مستقر در جاسوسخانه، غیر قانونی اعلام شد و طی یک درگیری منحل گردید. اما "سعدتی" همچنان در زندان است. آیا باز هم می‌بایستی، برای "آزادی" در زندان بود؟! آیا... آیا...

## از سرویس خبری "مجاهد":

## در شهرستانها چه می گذرد...؟

اهواز:

بدنبال حرکت های اخیر در سطح دانشگاه ها، شورای سرپرستی دانشگاه اهواز اطلاعیه ای صادر کرده و طی آن ضمن تاکید بر وحدت نیروها در قبال امپریالیسم، خواستار جلوگیری از تشنج در محیط پاک دانشگاه و به خاک و خون کشیده شدن جوانان بی گناه شده است. همچنین هیئت علمی دانشگاه علوم اهواز نیز طی اطلاعیه ای خاطرنشان کرده اند که اقدام اخیر شورای انقلاب در زمانیکه کشور عزیز ما درگیر مشکلات عظیم اقتصادی و اجتماعی داخلی و جهانی و همچنین تحرک شده و غیرمسئول به منافع و مصالح انقلاب خونین مردم دانشگاه جدی ناباور اهواز به دلالت خاص از جمله جاری شدن سیل و مشکلات اداری و دیرشدن کلاس ها، تکمیل برنامه های آموزشی در مهلت کوتاه تعیین شده از طرف شورای انقلاب برای دانشجویان و هیئت علمی این دانشگاه امکان پذیر نخواهد بود و آنها را با مشکلات حل نشدنی مواجه خواهد ساخت.

کاشان:

بدنبال تحریکات روزه های اخیر، ساعت ۹/۵ شب سی و یکم فروردین، حدود ۲۰۰ نفر از اوپاش، به کتابخانه هیئت انفراد واقع در محله سنگسر هجوم می آورند. هواداران سازمان با شاخت انقلابی مقابل کتابخانه زحیر ایجاد کرده و با شعار "بازگشت به اسلام" و "جلوگیری از هجوم اوپاش به کتابخانه" با شعارهای تند و تیزی در مقابل اوپاش با تهاجم خود در کتابخانه را و حمله خراب کرده و وارد کتابخانه می شوند و تمام وسایل و کتب کتابخانه را یاره کرده یا به غارت می برند. مسئولین کتابخانه با باسداران تماس می گیرند. آنها از خود سلب مسئولیت می کنند و طی تماسی هم که با شهرداری گرفته می شود، در دستمه ساعت از واقع شده است. ما جوانان شهرداری دخالت می کنند. این حملات تا ساعت ۳/۵ صبح ادامه داشته که در آن ساعت اوپاش با بجای گذاشتن یک ویرانه از محل کتابخانه، آنها را ترک می کنند.

سمنان:

روز سی فروردین تعدادی از افراد معلوم الحال سمنان به اهواز سفر کرده اند. آنچنین دانشجویان سمنان را در اهواز دیدیم که به ما اطلاعیه ای داده اند و از ما می خواهند که در اهواز از آنها حمایت کنیم. این افراد می گویند که در اهواز به ما اطلاعیه ای داده اند و از ما می خواهند که در اهواز از آنها حمایت کنیم. این افراد می گویند که در اهواز به ما اطلاعیه ای داده اند و از ما می خواهند که در اهواز از آنها حمایت کنیم.

تعدادی از فرزندگاران مجاهد حمله کرده و آنها را به شدت مضروب می کنند. همین روزی و یکم نیز این عده به سردمداری ناظمیان، قربان مرادی و علی مهدوی به تعداد دیگری فرزندگاران مجاهد حمله کرده و آنها را مضروب می کنند. شدت ضربات به حدی بوده که برادران به بیمارستان منتقل می شوند. آنها همچنین تهدید می کنند که روز دوشنبه کار را یکسر خواهند نمود.

مسجد سلیمان:

روز ۲۱ فروردین در ساعت ۵/۵ بعد از ظهر به مناسبت سالگرد شهادت ۷ تن از اعضای سازمان مراسمی در مسجد سلیمان برگزار شد. در این مراسم که بین ۱۰۰۰ تن شرکت کرده بودند، برادر مجاهد محمد باقر سگدی کاندیدای نمایندگی از اهواز سخنرانی کرد. او ضمن تجلیل از شهدای مجاهدین خلق، بر لزوم وحدت مردم برای مبارزه علیه امپریالیسم تاکید نمود.

همدان:

حدود ۸ ماه قبل جمعی از جوانان متعهد و مسئول محلی گازران همدان با همکاری اهل محل اقدام به تاسیس کتابخانه ای قدس در مسجد این محله می نمایند. این کتابخانه با فراهم کردن کتب مورد نیاز و ترتیب سخنرانی و نمایش اسلاید نقش زیادی در ارتقا آگاهی جوانان محله داشته است. تا اینکه در هفته های گذشته عوامل وابستگرا طاعت سیاورده و سیا پورشی به این کتابخانه که تا این مدت با بول توجیمی بجهت به کارش ادامه می داده، تعطیل می نمایند. اعضای شورای کتابخانه ای قدس اطلاعیه ای از مناسبت مسئولین بسپردند؟ چه کسانی هستند که مراکز تفریحی و تفریحی را می بسازند و با آنها مخالفت می کنند؟

سمنان:

روز سی فروردین تعدادی از افراد معلوم الحال سمنان به اهواز سفر کرده اند. آنچنین دانشجویان سمنان را در اهواز دیدیم که به ما اطلاعیه ای داده اند و از ما می خواهند که در اهواز از آنها حمایت کنیم.

## چه کسانی، با دانشگاه و دانشگاهیان دشمنی می ورزند؟

تاریخ این روز و بوم، همواره با خون فرزندانش قهرمان خلق نوشته شده، که بی شک یکی از خونین ترین فصل های آن را تاریخ مبارزات دلیرانه دانشجویان انقلابی تشکیل می دهد. دانشجویانی که در تمامی سال های پس از ۲۸ مرداد، یعنی سال های حاکمیت خفقان و دیکتاتوری، دانشگاه را به مثابه سنگ خروشان از مقاومت و مبارزه علیه استبداد و استعمار درآورده، و در ارتقاء مبارزات خلق می گویند. ۱۶ آذر، مشخصاً "سبلی از گوش های خستگی ناپذیر آنان است."

آغاز جنبش مسلحانه به عنوان عالی ترین تجلی مقاومت خلق، بر جنبش دانشجویی تاثیر قطعی گذاشت، که مضمون آن، ارتباط فعال جنبش دانشجویی با جنبش مسلحانه پیش از و نزدیکی بیشتر آن با حرکت های توده ای و فراهم نمودن چنان زمینه ای بود که موجب شد، جنبش دانشجویی با جنبش توده ها پیوند خورد و در به نثر رساندن انقلاب سهم شایسته خود را ادا کند.

براستی چه نیروهایی در خالی کردن "سنگ آزادی" تلاش می نمایند؟ دفاع از این "سنگ" با منافع چه کسانی منافع دارد؟ سرکوب مدافعان آن، آب به آسیاب چه کسی می ریزد؟ آیا این وسیله ای برای انحراف اذهان از وابستگی های استعماری نیست؟ این وابستگی ها با منافع چه کسانی گره خورده، که برای حفظ آن حتی حاضرند، خون دلیرترین و بزمنده ترین فرزندان خلق را بریزند؟ آیا چه کسانی از وحدت پیش از و خلق دچار خسارت هفتاد و هشتاد می شوند؟ و آیا نمی دانند که علیرغم تمامی تشبثات و دست و پا زدن های دم مرگ، "سنگ آزادی" هیچ گاه خالی نخواهد ماند؟

یک پیام رادیویی از مردم مسلمان اهواز خواست که به باری مردم مسلمان درگیر شده در دانشگاه بستانند. به گزارش خبرگزاری فارس، در این درگیری ۷ نفر کشته و بین از مد غر زخمی شده اند. جراحات مجروحان بر اثر اصابت گلوله و با ضربات گارد و سنگ بوده است.

تغییر نظام آموزشی به حرم مقدس دانشگاه، و دانشکده و بیمارستان را محکوم می کنیم. ما متفقدیم این حرکت نه در جهت تغییر نظام آموزشی، بلکه دقیقاً در جهت محدود کردن آزادی های دموکراتیک، دانشکده و دانشگاه است..."

مطلبی که قصد داشتند بعضی از خواهران را آزاد نمایند، مخالفت آنها روبرو شده اند. این خواهران ضمن مبارزه با اعتصاب غذا، اعلام کردند آزادی کلیه برادران زندانی، از زندان بیرون خواهند رفت. همچنین خبرهای رسیده از زندان عادل آباد، حاکی است که کلیه دستگیرشدگان اخیر دست به

## در حاشیه حوادث دانشگاه

طبق خبرهای رسیده بعد از ظهر روز یکشنبه ساعت ۳ سردمداران چند گروه مسلح در یکی از باغات در اطراف تهران جلسه ای داشتند در این جلسه هماهنگ کردن عملیات این گروه ها مورد بررسی قرار گرفت هر کدام از این گروه ها، عصر همان روز در زمینه های مختلف از عناصر وابسته یکی از این دسته ها برای شرکت در درگیری های دانشگاه ها به تهران اعزام شد، کلیه عناصر مسلح به سلاح گرم بودند.

خاطر های از یک زندانی سیاسی: "از رسول تاشکور"

ولی شکرالله از همان روزهای اول با تکیه بر اسلام انقلابی و اصل چون کوه مقاومت کرد و در جمع مجاهدین خلق و اسلام اصل آن چنان تاطع و مردانه از سازمان مجاهدین دست آورده های انقلابی و اسلامی آن دفاع کرد که خیلی ها را به شگفتی آورد.

بسیاری از سردمداران پسر مدعی ضد مجاهد فعلی، آن موقع در زندان بودند و از مقاومت مجاهدین خصوصاً شکرالله و تقوای اسلامی وی در مقابل اپورتونویست ها شگفت زد و خوشحال! روزها از پس هم می گذشت و شکرالله هر روز نشان می داد که تا چه حد عمیقاً به اسلام و مجاهدین وفادار است... یک روز صبح زود بود... شکرالله در طبقه سوم بند، پشت میله ها راه می رفت و زیر لب "سرود خون را حفظ می کرد... وقتی که کارش تمام شد... برافروخته و ملتپ بود... گفتم شکور خیلی سرحالی... خندید و گفت: تو فکر این سرودم که چطور در ناز بوبوش بیوی خون و شهادت بیچیده و بعد از این هم حقدار بقید در صفم!)

روزنامه "مجاهد" نشریه مجاهدین خلق ایران سال اول آدرس: تهران ۱۶ صندوق پستی شماره ۶۲/۱۵۵۱